

آسیب شناسی محتوای درسی صفحه آرای در مقاطع هنرستان های کار دانش و فنی حرفه ای

مریم وحید دستجردی^۱ * میثم یزدی^۲ و احمد رضا میرمقتدایی^۳

۱- کارشناسی ارشد رشته ارتباط تصویری، گروه ارتباط تصویری، موسسه آموزش عالی سپهر، استان اصفهان، ایران

۲- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، استان تهران، ایران،

۳- مربی، گروه هنرهای گرافیک، موسسه آموزش عالی سپهر، استان اصفهان، ایران.

چکیده

صفحه آرای را می توان یکی از زیر ساختاری ترین ریشه های اصول طراحی گرافیک دانست که اگر با دانش و شناخت صحیح از آن آموزش داده نشود و هنرجو به درستی آن را درک نکند، تمام زیر ساختارهای گرافیکی زیر سؤال می رود. منظور از زیر ساختارها، شاخه های گرافیکی می باشد. (آرم، لوگو، اوراق اداری، پوستر، بسته بندی، بروشور، کاتالوگ، تراکت، کتاب، مجله، روزنامه، بلیورد، طراحی سایت و.....). همیشه این موضوع مطرح بوده است که هیچ آموزش صحیح و هیچ الگوی تدریسی برای شناخت صفحه و صفحه آرای وجود نداشته است و از راه اصول و مبانی مشخصی به این موضوع نگاه نشده است. بنابراین در این مقاله تلاش شده است که بتوان معیارهای مناسب و صحیحی برای آموزش این درس ارائه شود. هدف از انتخاب موضوع مقاله با عنوان آسیب شناسی محتوای درسی صفحه آرای در هنرستان ها آموزش صحیح و مناسب در زمینه صفحه آرای است. چرا که کتاب حاضر با عنوان پایه و اصول صفحه آرای را نمی توان معیاری برای آموزش صحیح در این زمینه دانست و یک هنر آموز نمی داند و نمی تواند براساس این کتاب الگوی مناسبی برای آموزش به هنرجویان داشته باشد. که این نکته حائز اهمیت می باشد. این پژوهش از نظر نوع «کاربردی» و گردآوری داده های تحقیق «توصیفی، تحلیلی، تطبیقی» است که داده های تحقیق به دو روش میدانی، کتابخانه ای انجام شده است. در روش میدانی از دو طریق پرسش نامه و مصاحبه صورت گرفته است. در روش کتابخانه ای بیشتر از منابع و کتب دست اول و کمتر از سایت های اینترنتی معتبر استفاده شده است. یافته های این پژوهش نشان داد که روند آموزش صفحه آرای ۳۰ سال است که اشتباه تدریس شده است و همچنان هم این روند ادامه دارد. اگر بخواهیم به کتاب آموزشی صفحه آرای در هنرستان استناد کنیم به هیچ نتیجه و آموزش صحیح در این زمینه نخواهیم رسید به این دلیل که، کتاب تعریف کامل و جامعی از پایه و اصول صفحه آرای نداشته است و هنرجو و هنرآموز را دچار سردرگمی می کند. در این راستا اکثریت اهل فن و هنرآموزان خواستار مرور مجدد و تغییرات اساسی در روند آموزشی این کتاب و متدهای صحیح برای تدریس هستند. روش ها و متد آموزشی ای که در نظر گرفته شد، از شناخت صفحه و صفحه آرای آغاز می شود. برای شناخت صفحه تقسیم بندی هایی انجام شد از جمله عناصر موجود در صفحه (نوشتار، تصویر، فضا) که هر کدام از آنها هم به بخش های مجزایی تقسیم می شوند. پس از شناخت و درک هر کدام از عناصر صفحه تمرین هایی در این راستا به هنرجویان داده می شود که بتوانیم تشخیص دهیم، هنرجو با درک و شناخت از صفحه و عناصر آن می تواند چیدمان و صفحه آرای مناسب برای هر صفحه ی گرافیکی را انجام دهد. این درک و شناخت هنرجو از صفحه آرای و نتایج این تمرینات معیار مناسبی برای ارزیابی روند آموزشی این درس قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، صفحه، صفحه آرای، آموزش، نوشتار، فضا

با توجه به بحث آموزش صفحه آرای، اولین معیار علمی برای تعریف صفحه آرای از نظر کارشناسان حرفه ای و کتب داخلی و خارجی به این اشاره دارد که صفحه آرای دارای چه معنا و مفهومی است. صفحه آرای دقیقاً ارتباط مستقیم با جریان های ساختاری در هنرهای تجسمی دارد و ساختاری ترین مباحث در طراحی گرافیک است. وقتی آرایش یک صفحه به عنوان عنصر و معیار اصلی مطرح می شود تمام مواردی مانند کادر، محتوا، شخصیت و فیزیک صفحه را شامل می شود. شخصیت، تناسب و ارتباط عناصر با یکدیگر و حتی نوع ترکیب بندی نکاتی هستند که برای یک صفحه دارای اهمیت می باشند. طراحان حرفه ای براساس تجربه ی کاری که در زمینه ی صفحه آرای دارند بدون اینکه تمام نکات را بررسی و مطالعه کنند مانند یک اشل در ناخودآگاه ذهنشان وجود دارد. بنابراین اگر صفحه را بشناسیم، تشخیص می دهیم که چه عناصری باید در آن صفحه وجود داشته باشند. به عنوان مثال صفحه را به یک اتاق تشبیه می کنیم که عناصری چون تختخواب، کمد و چوب لباسی با عناصر موجود در آشپزخانه بسیار متفاوت هستند. همانطور که تمام عناصر صفحه پوستر با کارت ویزیت و روزنامه متفاوت هستند. پس هر صفحه ای دارای صفحه بندی و چیدمان مجزایی است و همین چگونگی صفحه بندی ها است که برای ما حائز اهمیت است. با توجه به موارد ذکر شده تمامی این عوامل باید دسته بندی شوند. تعاریفی از قبیل صفحه، صفحه آرای، عناصر موجود در صفحه و کاربرد آنها در صفحات مختلف که در شناخت ما از صفحه آرای تأثیر گذار هستند. وقتی صحبت از عناصر صفحه می شود، عنصر نوشتار به عنوان یکی از اصلی ترین عناصر صفحه مطرح می شود که شامل تیتیر، سوتیتیر، متن، پاورقی و هر نوشته ای که به صورت علائم قراردادی و حروف به کار می روند، می شود که نیاز به یک فصل مختص به خود دارد و در این فصل تمام نکات تکنیکی و کاربردی نوشتار مطرح می شود. در خیلی از صفحه ها ممکن است متنی وجود نداشته باشد ولی صفحه وجود دارد و باید صفحه آرای انجام شود. مثل خیلی از بیلبردها و آگهی های تصویری که نوشته ندارند و توسط تصویر پیام را نشان می دهند. پس صفحه ای وجود دارد و باید برای آن، صفحه آرای انجام شود. بنابراین سالم بودن صفحه آرای و اینکه چگونه باید از آن استفاده کرد یک بحث است و اینکه نحوه ی آموزش صفحه آرای در کتاب های ما چگونه مطرح می شوند بحث دیگر.

بیان مسأله

صفحه آرای یکی از شاخه های اصلی و از زیر ساخت های رشته گرافیک محسوب می شود و شناخت و دانش فنی از آن می تواند تمام جوانب و پارامترهای گرافیک را تحت تأثیر قرار دهد. مسئله ی مهم و قابل تأملی که در اینجا مطرح است نحوه ی آموزش صفحه آرای در هنرستان ها است. با توجه به این موضوع که الفبای گرافیک در هنرستان ها پایه ریزی می شود، بحث آموزش بسیار مهم و حساس است. اگر بخواهیم، آموزش صفحه آرای را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم، در خیلی از جاها با مشکلاتی روبرو می شویم که زیر ساخت های گرافیک حرفه ای را زیر سوال می برد و این مشکل در مقاطع هنرستان، کارشناسی و کارشناسی ارشد و حتی کسانی که فارغ التحصیل شده اند دیده می شود که نمی توانند یک ارتباط سالم نه خلاق در صفحه آرای به وجود آورند. منظور از ارتباط سالم در صفحه پیام رسانی سالم است. به عنوان

مثال خیلی از پوسترها هستند، که پیام رسانی خوبی ندارند، شاید خلاق و زیبا باشند ولی خصلت اصلی پوستر که پیام رسانی است را زیر سؤال می برد. این نمونه ای از مشکلاتی است که به روند آموزش کاملاً اشتباه در صفحه آرایی مربوط می شود و نشان می دهد که صفحه آرایی را فقط مختص مجله، روزنامه و کتاب می دانند و متأسفانه در حال حاضر هم هنوز این روند ادامه دارد.

بررسی و آسیب شناسی کتاب پایه و اصول صفحه آرایی

باتوجه به مفهوم صفحه آرایی، صفحه ای که در ارتباط تصویری با طراح ارائه می گردد لازمه آن صفحه آرایی با تعریف علمی است. کتابی که مورد تحلیل قرار می گیرد، هدف کلی آن آشنایی با پایه و اصول صفحه آرایی است. با مطالعه صفحات داخلی کتاب به این نکته پی می بریم که دو کلمه اصلی و کلیدی در عنوان کتاب وجود دارد: «پایه» و «اصول»، این دو واژه خود دارای معانی کاربردی و علمی هستند. منظور از پایه: یعنی ابتدایی ترین زیر ساخت ها و اجزاء تشکیل دهنده ی یک صفحه و اصول: یعنی رعایت قوانین و موارد فنی عناصر مرتبط در یک صفحه است.



با توجه به تعاریفی که بیان شد وقتی کتاب را مطالعه می کنیم، هیچ گونه تعریف و بیانی در خصوص مفهوم صفحه آرایی ارائه نشده است و صفحه آرایی را به سمت کتاب و مجله سوق داده است، که این اولین و بزرگترین اشتباه در کتاب محسوب می شود. این اشتباه، همه موارد علمی، تکنیکی و کاربردی را به صفحات کتاب، مجله و روزنامه محدود می کند. در حالی که هر صفحه ارتباطی در گرافیک شامل صفحه آرایی است. مانند صفحات کارت ویزیت، اوراق اداری، پوستر، جلد کتاب، بروشور، کاتالوگ، تراکت، بیلبرد، بسته بندی و هر صفحه ی گرافیکی دیگر بنابراین با توجه به همه این توضیحات بهتر است، عنوان کتاب صفحه آرایی برای کتاب و مجله باشد. ولی اگر بخواهیم این کتاب را با عنوان فعلی قبول کنیم و از آن به عنوان متدآموزشی بهره ببریم، نیازمند بازنگری و ویرایش کلی است. که با توجه به معیارهای مد نظر علمی و آموزشی کاملاً مغایرت دارد.

با توجه به توضیحات ارائه شده، صفحه فهرست مطالب کتاب تنها شامل دو بخش کتاب و مجله می باشد. بخش اول که مربوط به کتاب و شامل چهار فصل است و بخش دوم مربوط به مجله و شامل سه فصل می باشد. که در قسمتهای بعدی تحلیل به بررسی این دو بخش و فصل های آن می پردازیم.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار مؤلف
	بخش اول: کتاب
۷	فصل اول: آشنایی با مفهوم دیزاین در گرافیک
	فصل دوم: ساختار فیزیکی کتاب
۱۲	ساختار فیزیکی کتاب
۲۲	فصل سوم: صفحه‌آرایی کتاب
۲۳	تعیین حروف
۲۵	پایه کار یا گرید
۳۹	چگونگی صفحه‌آرایی کتاب
	فصل چهارم: مراحل تولید کتاب پس از صفحه‌آرایی
۵۷	لیتوگرافی
۵۸	چاپ
۵۹	صحافی
	بخش دوم: مجله
	فصل پنجم: کلیات
۶۴	تعریف مجله و قطع آن
۶۷	سرلوحه (لوگو تایپ)
۶۹	روحیه کلی و ثابت جلد (اونیفورم)
۷۱	نشانه‌های قسمت‌های ثابت در مجله
	فصل ششم: مراحل قبل از صفحه‌آرایی مجله
۷۳	آماده‌سازی
۷۴	تعیین حروف مطالب
۷۷	گرید (پایه کار)
۸۱	طراحی روحیه کلی فهرست مجله
	فصل هفتم: صفحه‌آرایی مجله
۹۱	تعریف صفحه‌آرایی مجله
۹۲	چگونگی اجرا
۱۰۱	عکس در صفحه‌آرایی مجله
۱۰۵	عنوان اصلی و عناوین فرعی
۱۰۹	سوتیترها
۱۱۱	منابع فارسی و لاتین

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا نیاز هنرجو به دانش صفحه آرایی فقط محدود به کتاب و مجله است؟ یا نیاز به دانش از عوامل و اصول علمی برای طراحی کردن یک صفحه که شامل ورودی ها، پلان بندی ها و ترکیب بندی اجزاء و عناصر صفحه در ارتباط با محتوا و کاربرد است، دارد؟ با توجه به تعاریفی که از مفهوم صفحه آرایی بیان شد، لازمه شناخت و دانش از عوامل اصولی صفحه، راه و روش صحیح و علمی برای درک از صفحه آرایی است. بنابراین هر هنرآموزی که در زمینه صفحه آرایی تدریس دارد، باید تمریناتی را در نظر بگیرد که پایه و اصول صفحه را به هنرجو آموزش دهد و پس از آن از او انتظار درک و شناخت از صفحه و صفحه آرایی را داشته باشد.

پیشگفتار

مبحث بعدی راجع به پیشگفتار کتاب است. در پاراگراف دوم نوشته شده، کتاب حاضر با این هدف تألیف شده است که هنرجویان با پایه و اصول صفحه آرایی کتاب و مجله آشنا شوند و کاربرد عملی آن را در گرافیک بیاموزند. و اشتباه در اینجا این است که وقتی آموزش صفحه آرایی را فقط مختص به کتاب و مجله بدانیم یک اشکال عمده به وجود می آید که بدون در نظر گرفتن پایه و اصول برای هر صفحه ای و دانش آن اقدام به صفحه آرایی کتاب می کنیم. یعنی ما مجموعه ای از صفحات را طراحی کرده ایم، در صورتی که هیچ اطلاعاتی درمورد پایه و اصول یک صفحه و عناصر و اجزاء آن هم نداریم. پس تمام این موارد در روند آموزش و تمرینات هنرجویان تأثیر گذار هستند.

پیشگفتار مؤلف:

آموزش مباحثی مانند صفحه آرایی، نیاز به کتاب هایی دارد که معلم با توجه به آنها و استفاده از ابزار کمک آموزشی بتواند در هر نقطه از کشور، به گونه ای مطلوب فرایند آموزش را به نتیجه برساند.

کتاب حاضر با این هدف، تألیف شده است که هنرجویان با پایه و اصول صفحه آرایی کتاب و مجله آشنا شوند و کاربرد عملی آن را در گرافیک بیاموزند.

پیشینه «صفحه آرایی» در ایران، به گذشته های بسیار دور، یعنی زمانی که سومی ها بر روی لوحه های گلی، مفاهیم مرتبط با یکدیگر و ادامه داری را می نوشتند، باز می گردد. شکل عینی نخستین کتاب ها، به صورت اتافی بوده است که ورق های خشتی (که هر کدام چند سانتی متر ضخامت داشته اند)، در طبقه های نصب شده به دیوارهای این اتاق قرار می گرفته اند. سپس، پوست برخی از حیوانات برای تولید کتاب به کار برده شد و پس از آن، کتاب های کاغذی رایج شد.

اوج هنر کتاب آرایی در ایران، به دوره تیموری مربوط است اما با شکست جانشینان تیمور و تسلط شاه اسماعیل صفوی بر هرات، از ارزش های بصری این هنر کاسته نمی شود و همچنان، بهترین دوره های تکاملی خود را می گذرانند و فقط در اواخر دوره صفوی ست که هنر کتاب آرایی و نگارگری ایرانی، با تأثیرپذیری از غرب، به تدریج سیر نزولی آغاز می کند.

ضروری است، اهمیت «صفحه آرایی» که امروزه در جامعه ما کاربرد فراوان دارد، برای هنرجویان توضیح داده شود و با اشاره به جنبه های تاریخی آن، خود باوری لازم به آنها القا گردد.

قرآن های خطی و کتاب های تصویرگری شده به شیوه نگارگری ایرانی مانند شاهنامه ها، کلیله و دمنه، خمسه نظامی، برخی کتاب های علمی و پزشکی و... گنجینه عظیمی از ارزش های بصری صفحه آرایی هستند.

در پاراگراف های بعدی که از پیشینه ی صفحه آرایی در ایران نوشته شده است، این برداشت به وجود می آید، که نویسندگان با دیدگاهی که از صفحه آرایی در حیطه کتاب و مجله دارد با یک پیشینه ی تاریخی کوتاه و بدون شرح از صفحه آرایی آن را به کتاب و مجله ارتباط می دهد. در صورتی که برای پیشینه ی تاریخی باید یک بخش اختصاص داده می شد. نه اینکه در پیشگفتار ارائه شود، و این یک اشتباهی است که دانسته یا ندانسته اتفاق افتاده است. و هنرآموزان بدون توجهی به بخش پیشینه ی تاریخی از صفحه آرایی، در اولین فرصت آموزش صفحه آرایی کتاب و مجله را شروع می کنند و فکر می کنند که درک و شناخت از صفحه آرایی فقط مربوط به کتاب، مجله و روزنامه است و بقیه ی صفحات گرافیکی شامل صفحه آرایی نمی باشند.

پیشگفتار مؤلف:

آموزش مباحثی مانند صفحه آرایی، نیاز به کتاب هایی دارد که معلم با توجه به آنها و استفاده از ابزار کمک آموزشی بتواند در هر نقطه از کشور، به گونه ای مطلوب فرایند آموزش را به نتیجه برساند.

کتاب حاضر با این هدف، تألیف شده است که هنرجویان با پایه و اصول صفحه آرایی کتاب و مجله آشنا شوند و کاربرد عملی آن را در گرافیک بیاموزند.

پیشینه «صفحه آرایی» در ایران، به گذشته های بسیار دور، یعنی زمانی که سومی ها بر روی لوحه های گلی، مفاهیم مرتبط با یکدیگر و ادامه داری را می نوشتند، باز می گردد. شکل عینی نخستین کتاب ها، به صورت اتاقی بوده است که ورق های خشتی (که هر کدام چند سانتی متر ضخامت داشته اند)، در طبقه های نصب شده به دیوارهای این اتاق قرار می گرفته اند. سپس، پوست برخی از حیوانات برای تولید کتاب به کار برده شد و پس از آن، کتاب های کاغذی رایج شد.

اوج هنر کتاب آرایی در ایران، به دوره تیموری مربوط است اما با شکست جانشینان تیمور و تسلط شاه اسماعیل صفوی بر هرات، ارزش های بصری این هنر کاسته نمی شود و همچنان، بهترین دوره های تکاملی خود را می گذراند و فقط در اواخر دوره صفوی ست که هنر کتاب آرایی و نگارگری ایرانی، با تأثیرپذیری از غرب، به تدریج سیر نزولی آغاز می کند.

ضروری است، اهمیت «صفحه آرایی» که امروزه در جامعه ما کاربرد فراوان دارد، برای هنرجویان توضیح داده شود و با اشاره به جنبه های تاریخی آن، خود باوری لازم به آنها القا گردد.

قرآن های خطی و کتاب های تصویرگری شده به شیوه نگارگری ایرانی مانند شاهنامه ها، کلیله و دمنه، خمسه نظامی، برخی کتاب های علمی و پزشکی و... گنجینه عظیمی از ارزش های بصری صفحه آرایی هستند.

صفحه ی دوم کتاب درباره مفهوم دیزاین در گرافیک است. با توجه به تعاریفی که در کتاب ها راجع به مفهوم دیزاین وجود دارد، تعریفی که در کتاب پیش رو از واژه ی دیزاین بیان شده است. صحیح نمی باشد. (سامان دادن عناصر بصری در کادری تعریف شده و مشخص، مانند دوصفحه مقابل هم در کتاب یا مجله، پوستر یا روی جلد کتاب را دیزاین می گویند) موضوع و مفهوم دیزاین با موضوع و مفهوم صفحه آرایی بسیار متفاوت است. دیزاین وابسته به شناخت صفحه و

عوامل موجود در صفحه می باشد. که با موضوع و محتوای مشخصی ارائه می شود. ولی صفحه آرایایی به عواملی مانند: ورودی ها، پلان بندی ها، عناصر صفحه و ترکیب بندی وابسته است.

هنرآموزان محترم و دلسوز باید با نمایش دادن اسلاید یا دیسک فشرده صفحه های کتاب های یاد شده در کلاس، هنرجویان را با این شاهکارهای تصویری آشنا نمایند.

علاوه بر این، به هنرجویان تفهیم شود که کاربرد آشنایی با صفحه آرایایی، فقط در آماده سازی کتاب و مجله برای چاپ نیست؛ بلکه در مفهوم فراگیری در گرافیک که «دیزاین» گفته می شود، شرط اصلی تسلط و مهارت و آگاهی داشتن در آن، تجربه و شناخت صحیح صفحه آرایایی در شاخه های مختلف آن یعنی کتاب، مجله، روزنامه، کاتالوگ و بروشور است. سامان دادن عناصر بصری در کادری تعریف شده و مشخص، مانند دو صفحه مقابل هم در کتاب یا مجله، پوستر یا روی جلد کتاب را دیزاین^۱ می گویند که چون معدل فارسی آن یعنی «طراحی»، این مفهوم را بیان نمی کند، این واژه در محیط حرفه ای چاپ و گرافیک ایران استفاده می شود.

شک نیست که برای کسب موفقیت در فراگیری صفحه آرایایی، تلاش در انجام تمرین های بسیار و مداوم، ضروری و گریز ناپذیر است و البته نمایش نمونه های موفق صفحه آرایایی و هدایت بحث های لازم درباره نقاط قوت و ضعف آنها در کارگاه نیز می تواند برای آموزش هنرجویان مفید و آموزنده باشد.

دیدن نمونه های ارزنده صفحه آرایایی که اصول و مبانی بصری به گونه ای مطلوب در آنها رعایت شده باشد و از خلاقیت و ابداع هنری بهره کافی برده باشند، توقع هنرجو را از کار خویش فزونی می دهد و در رشد خلاقیت او تأثیر فراوان دارد.

یادآوری می شود که نقش هنرآموزان محترم در چگونگی استفاده از این کتاب، بسیار زیاد است و هر هنرآموز، با تکیه بر تجارب آموزشی خود و شناختی که به طور کلی و نسبی از هنرجویان و منطقه جغرافیایی دارد و همچنین در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و توانایی ها و محدودیت های آنها، این کتاب را تدریس کند.

مؤلف

بخش اول: کتاب

فصل اول: آشنایی با مفهوم «دیزاین» در گرافیک

در این فصل همانطور که در پیشگفتار به واژه ی دیزاین اشاره کرده است. مفهوم دیزاین را به معنی ساختار دادن و سازمان دادن و سامان دادن عناصر بصری در یک اثر گرافیکی تعریف کرده است و در پاراگراف دوم نیز دو تعریف از دیزاین وجود دارد که اولین تعریف مربوط به (Mathew Healey) و دومین تعریف مربوط به فرشید مثقالی است. در اولین تعریف، دیزاین را برنامه ریزی برای رسیدن به بهترین راه ارتباط بصری با مخاطب می داند و در دومین تعریف دیزاین را درک و شناخت اجزاء یک فرآیند با کمک عقل، منطق و خلاقیت برای ارتباط با مخاطب سامان دهی می کند. با توجه به این تعاریف، می توانیم تعریفی جامع تر و مناسب تر از دیزاین داشته باشیم.

در تعریف کتاب از واژه ی سامان دادن برای معنی دیزاین استفاده شده است در صورتی که سامان دادن را نمی توان برای مفهوم دیزاین قبول داشت چون دیزاین به معنی اندیشیدن، تفکر کردن است، که بر اساس همین اندیشه و تفکر، عناصر در صفحه چیدمان می شوند. تعریفی که در دانشنامه دیزاین از مفهوم دیزاین ارائه شده است، اندیشیدن برای ارائه ی راه کارهای خلاقانه و علمی در مورد هر اثری در حیطه هنر. یا بهتر بگوییم، اندیشه کردن خلاق با راه کارهای علمی. در اصل معنای دیزاین با صفحه آرایی متفاوت است و هر کدام تعریفی جدا از یکدیگر دارند. ولی در اینجا با تعاریفی که از دیزاین ارائه شده است، با هدف ارتباط با واژه ی صفحه آرایی بوده است.



با توجه به مباحث فصل دوم در ارتباط با تعریف صفحه آرای، به این نتیجه می رسیم که کل صفحه آرای یک دیزاین به حساب می آید. دیزاین قبل از اینکه طراحی و چیدمان باشد اندیشیدن است، یعنی ایجاد اندیشه براساس محتوا و بعد از آن عناصر وارد صفحه می شوند. در حقیقت در این راستا یک کل و یک جزء وجود دارد، دیزاین کل و صفحه آرای جزء می باشد، یعنی یکی از مراحل تکنیکی و فنی دیزاین به حساب می آید، که فقط شامل صفحه آرای نمی شود. رنگ، کمپوزیسیون، کنتراست و همه موارد فنی دیگر را هم شامل می شود.

در پاراگراف های اول، دوم و سوم از صفحه ی ۸ کتاب از دیزاین در موارد دیگر هم مثال زده است. اصطلاحاتی مانند: «دیزاین شهری»، «دیزاین معماری»، «دیزاین تزئینات داخلی»، «دیزاین مد»، «دیزاین صنعتی»، «دیزاین منسوجات»

در کنار مفهومی که از دیزاین در گرافیک وجود دارد استفاده شده است. که تمام این موارد را می توان در کتاب دانشنامه ی دیزاین و دائرالمعارف دیزاین به صورت مفصل و کامل مطالعه کنیم.

با نگاهی به پاراگراف آخر از صفحه ی ۸ کتاب باز هم با واژه ی سامان بخشیدن روبرو می شویم که به نظر می رسد مؤلف از این واژه بسیار استفاده کرده است و برای او یک سند قطعی به حساب می آید.

می دهد، یک «دیزاینر» یعنی قاعده فرایند دیزاین است.

زمانی که فردی برای بیرون رفتن از خانه، بر مبنای جایی که می خواهد برود، انتخاب لباس می کند، این یک فرایند دیزاین است؛ برای خرید از نزدیکی منزل، لباس ساده تری احتمالاً می پوشد و کمتر به شیک بودن و ترکیب رنگ ها اهمیت می دهد و برای یک مهمانی رسمی، خود را مناسب فضای آن می آراید.

هنگامی که میز یا سفره غذا چیده می شود و هر ظرف و بشقاب و لیوان را در جایی قرار می دهند، این یک دیزاین است و می توان گفت که امروزه دیزاین از هر موضوع دیگری که به طور مستقیم با خلاقیت انسان مرتبط است، کاربرد وسیع تری دارد و با هر نوع محصول ساخته بشر، به نوعی فرایند دیزاین دخالت داده می شود.

اکسون اصطلاحاتی مانند «دیزاین شهری»، «دیزاین معماری»، «دیزاین تزئینات داخلی»، «دیزاین مده»، «دیزاین صنعتی»، «دیزاین منسوجات»، در کنار مفهومی که از دیزاین در گرافیک وجود دارد، به کار می روند که هسته اصلی مفهوم دیزاین در آنها وجود دارد.

دیزاین در مرحله نخست، موضوعی ساده به نظر می رسد؛ ولی در واقع مفهومی پیچیده است. فرایندی که با بررسی مواد و اطلاعات اولیه و دسته بندی آنها و موارد مصرف و در نظر گرفتن مخاطبان شروع شده و با اختلاط عقل و منطق و خلاقیت، سعی به انجام رسانیدن هدف و مقصود دارد.

دیزاین، برای راحتی ارتباط، سهولت استفاده از وسایل و بهینه کردن کارایی، ایجاد شخصیت و هویت ویژه و تسهیل در روابط انسانی به کار می رود.

دیزاین، فرایندی است که ارتباط بصری را در جامعه سامان می بخشد و به توانایی و کارآیی برقراری ارتباط، فن آوری به کاررفته برای تحقق آن، و تأثیر اجتماعی که رقم می زند، مربوط است. روند تصمیم گیری در دیزاین، بین بررسی داده های عینی و



دیزاین در نشریات

- 1 - Urban Design
- 2 - Architecture Design
- 3 - Interior Design
- 4 - Fashion Design
- 5 - Industrial Design
- 6 - Textile Design
- 7 - Graphic Design

۸

1- design

با توجه به مبحث دیزاین که در فصل دوم به آن اشاره شد، بحث هویت در دیزاین جزء عوامل پنهان است، که در دل دیزاین نهفته است و همراه تفکر و اندیشیدن می آید. در کل دیزاین دارای یک سری عوامل پنهان و یک سری عوامل آشکار است. عوامل پنهان عوامل احساسی و علمی که با یکدیگر به کار برده می شوند، مثل اندیشیدن، تفکر، هویت، اطلاعات و تجربه که همه در دیزاین وجود دارند و تمام این عوامل بر اساس کاربرد عملی که ایجاد می شوند یک فضای علمی را هم در آن به وجود می آورند. عوامل پنهان وقتی از بالقوه به فعل تبدیل می شوند ماهیت دیزاین را با کاربرد خاص خودش مطرح می کنند، که با توجه به موضوع و محتوا و عملکرد تعریف خواهد شد. اینها از عوامل آشکار در دیزاین هستند.

جهش های شهودی در نوسان است.

یعنی یک طراح گرافیک علاوه بر جنبه های صرفاً احساسی، منطق لازم برای اثر گرافیک نسبت به هدف و کارایی آن را در نظر می گیرد، ویژگی های مخاطب اثر را در ذهنش لحاظ می کند و با تجربه و تسلطی که بر قوانین زبان بصری دارد، دیزاین مناسب را ارائه می دهد.

» دیزاین در دو صفحه ی مقابل هم مجله



هویت در دیزاین:

اگر فردی دارای اندیشه، تفکر، اطلاعات وسیع و آشنا با فرهنگ و تاریخ خود و رفتار اجتماعی انسانی مطابق با آن باشد، هویت انسانی و اجتماعی دارد و حضور این پدیده ها یا ویژگی ها در جوامع در سطوح متفاوت اقشار مردم قابل تشخیص و تمایز است و سازنده جامعه ای با هویت ملی و مردمی و احترام برانگیز؛ اما رسوخ این پدیده ها یا ویژگی ها در هنر هر مرز و بومی، جای تأمل و موشکافی بیشتری دارد.

در هر کشور، هنرمندانی صادق، اصیل و دارای دانش و مهارت و تجربه و معتقد به فرهنگ و تمدن سرزمینی که در آن زاده شده و رشد جسمی و فکری کرده اند، وجود دارند. این هنرمندان، شیفتگی و حساسیت صادقانه ای در بیان هنری خود دارند و می دانند که خود سازنده تمدن و فرهنگ سرزمین خود هستند و این نگرش در آثار آنها جاری می شود.

بدیهی است که اگر این هنرمندان از ابزار بیانی گرافیک استفاده کنند و آثاری را در

نتیجه گیری

بحث دیزاین با صفحه آرایي بسیار متفاوت است. چرا که دیزاین در طراحی گرافیک به معنی راه حل و اندیشیدن برای هر زمینه ی کاری است. دیزاین در همه جا دیده می شود و وجود دارد. در صورتی که صفحه آرایي یک بحث علمی و فنی است که یکی از زیر شاخه های دیزاین محسوب می شود. پس بهتر است تعریف دیزاین با صفحه آرایي جدا شود و در یک ردیف قرار نگیرد و این اشتباهی است که در این کتاب وجود داشته است. حتی در صفحات دیگر این کتاب هم تعریفی از واژه ی صفحه آرایي وجود ندارد. در نهایت به این نتیجه می رسیم که منظور مؤلف از دیزاین همان صفحه آرایي است.

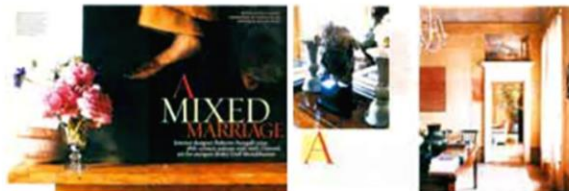
زمینه های مختلف گرافیک به وجود آورند، در ادامه تفکر، حساسیت ها و نگاهشان است. در روند این گونه تولیدات، گرافیک جدا از ارزش های رسانه ای به محل تجلی روحیه و نگاه هنرمند هر سرزمین تبدیل می گردد و حتی بعد از پایان تاریخ مصرف اثر گرافیک، به عنوان یک اثر مستقل، بیانگر هویت، شخصیت فرهنگی و هنری آن سرزمین خواهد بود. گرافیک به عنوان یک ابزار رسانه ای در هر اقلیم و مرزوبومی باید توانایی ارتباط با مردم خود را داشته باشد و این فرایند، زمانی حاصل می شود که طراح نگاهی به ریشه های فرهنگی و تفکر بصری مردم مخاطب خود داشته باشد. مثال موفق هویت در دیزاین، کشور ژاپن است که هم از فن آوری مدرن غربی در تمام زمینه های زندگی روزمره و نیز گرافیک خود استفاده می کند و هم شخصیت و هویتی ویژه و مخصوص به خود در آثار گرافیک و به طور کلی هنرهای تجسمی دارد.

در جوامع، هر تحریف تاریخی، سیاسی یا اجتماعی و فرهنگی رخ دهد، هنرمندان راستین آن جوامع، رسالت تصفیه و نگهداری فرهنگ و اندیشه ناب تمدن خود را هوشمندانه به عهده گرفته اند و آن را دوباره سازی می کنند.

البته به این نکته ظریف باید توجه داشت که هویت، لزوماً فقط با استفاده از نقوش قرن های گذشته یک کشور در آثار گرافیکی حاصل نمی شود؛ بلکه حضور هویت در خلوص و صداقت هنرمند جاری است و از دل فرهنگ مردم می جوشد.

هویت در شناخت خود و تاریخ خودمان است که در روح هر اثر که زاییده طراحی حساس و صادق هنرمند است، متجلی می شود.

برای شناخت عمیق تر دیزاین (در گرافیک) و آشنایی عملی با آن، همان گونه که «پیشگفتار مؤلف» اشاره شد، آشنایی با دانش صفحه آرایي و تجربه عملی در زمینه های مختلف آن مانند صفحه آرایي کتاب، صفحه آرایي مجله، صفحه آرایي روزنامه، صفحه آرایي کانالوگ و بروشور بسیار سودمند و مؤثر است.

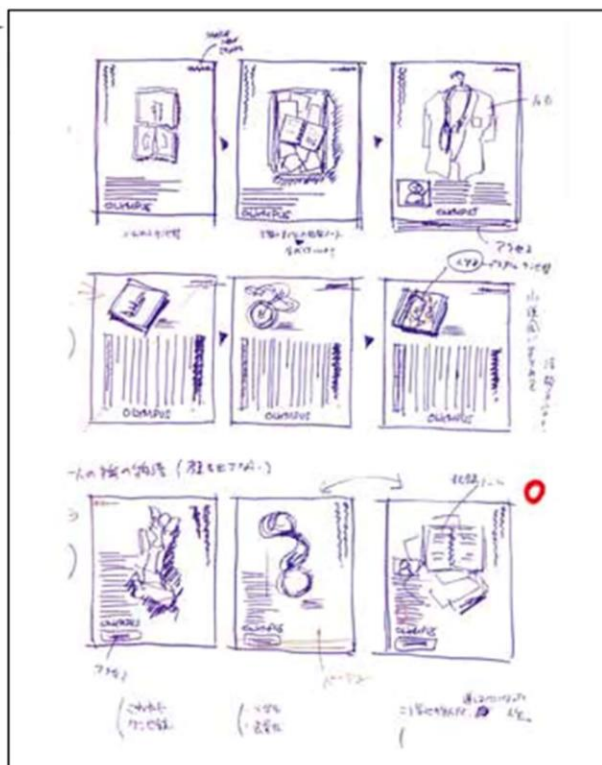


دیزاین در نشریات

تمرینات

در بخش تمرینات علاوه بر سوالات تئوری که مطرح شده است، جای تمرینات عملی خالی است. تمرینات عملی باید در راستای شناخت ساختار صفحه، پلان بندی ها، ترکیب بندی و مواردی دیگر در همین حوزه باشد. چرا که این تمرینات برای درک و شناخت هنرجو از دیزاین بسیار مؤثر می باشد و حتی برای مراحل بعدی که شناخت صفحه و صفحه آرایی است نقش مهم و کلیدی دارد. که هنر آموز باید نتیجه این تمرینات را با همه هنرجویان به بحث و تبادل نظر بگذارد.

طرح اولیه ی آزاد (اسکیس) برای دیزاین



تمرین

- ۱) کدام تعریف دیزاین، در این گفتار را کامل تر و گویا تر می دانید؟ برای هنر آموز محترم کلاس، توضیح دهید و نظر او را بخواهید.
- ۲) غیر از مواردی که یاد شد، دیزاین در چه زمینه های دیگری حضور دارد؟ توضیح دهید.
- ۳) سه اثر گرافیک ایرانی را با خود به کلاس بیاورید که طراح، موضوع هویت را در آنها به درستی رعایت کرده است. با حضور هنر آموز محترم، هنرجویان در مورد آنها بحث کنند.
- ۴) تمرین شماره ی ۳، با سه اثر گرافیک غیر ایرانی تکرار شود.

فصل دوم : ساختار فیزیکی کتاب

در این فصل ساختار فیزیکی کتاب را از پوششی به نام جلد شروع کرده است. که وضعیت جلد کتاب ها در ایران را به دو وضعیت تقسیم کرده است . ۱- مقوای نازک (گلاسه) که به آن جلد شومیز می گویند. ۲- مقوای سخت و ضخیم که به آن زرکوب یا گالینگور می گویند. این جلدها را اصطلاحاً جلد سخت می گویند که پوشش مختلف می تواند داشته باشد. (گالینگور، سلفون، چاپ، کاور و غیره)

فصل دوم: ساختار فیزیکی کتاب

اهداف رفتاری:

در پایان این فصل، از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- واحدهای قبل از متن و ترتیب قرار گرفتن آنها را تشخیص دهد.
- ۲- مفهوم اصطلاحات «راست چین» و «چپ چین» و «وسط چین» را بیان کند.
- ۳- اصطلاح «فرم» را در نشر بداند.
- ۴- واحدهای پس از متن و ترتیب قرار گرفتن آنها را مشخص کند.
- ۵- قطع های رایج کتاب در ایران را بشناسد.
- ۶- در مورد چگونگی تعیین قطع یک کتاب اطلاعات کلی را بداند.
- ۷- اصطلاح «لب پنجه» یا «لب کار» و حاشیه اطمینان را به خوبی بشناسد.

ساختار فیزیکی کتاب

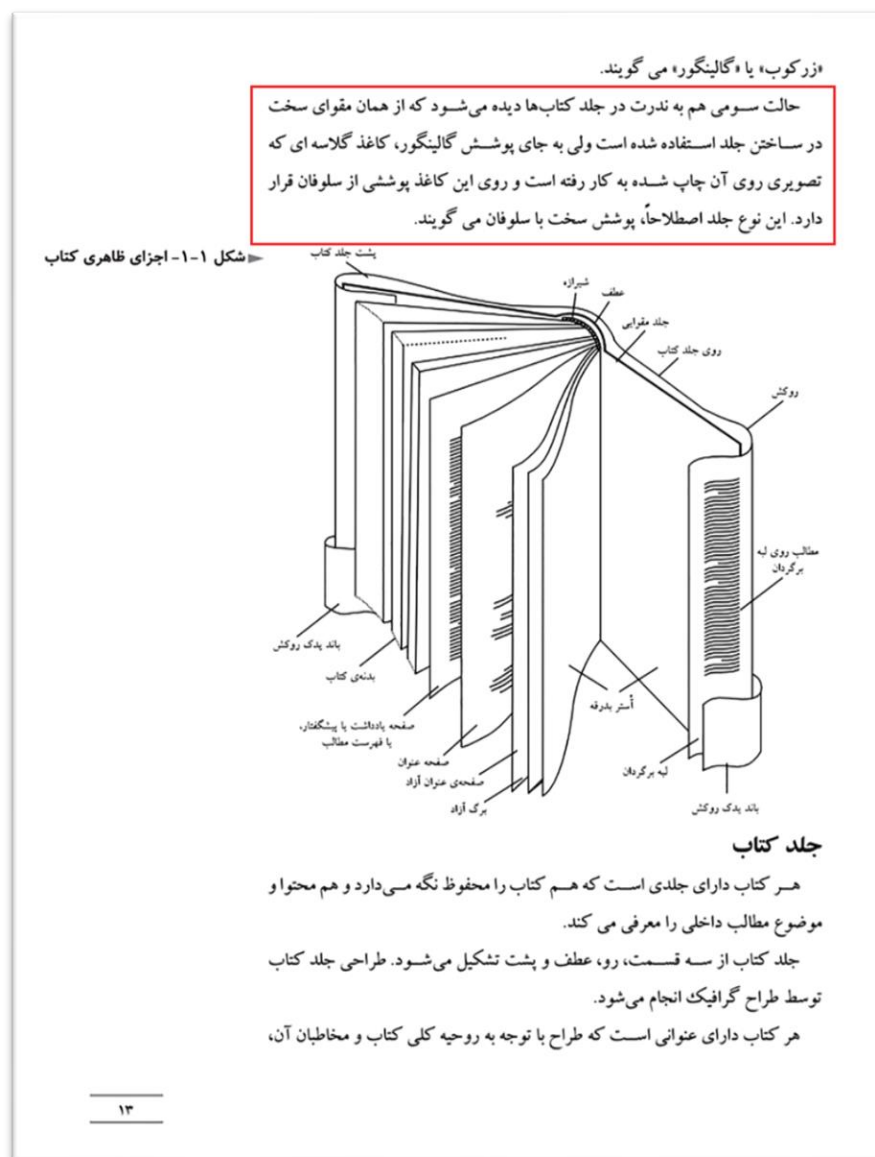
مفهوم عینی و امروزی کتاب، یعنی مجموعه ای از برگ هایی که روی آنها مطالبی چاپ شده است و در یک طرف، به نام عطف، به یکدیگر متصل شده اند و این مجموعه پوششی به نام جلد دارد.

اکنون در ایران دو وضعیت کلی برای جنس جلد کتاب وجود دارد: اگر جنس جلد کتاب از انواع مقوای نازک مانند مقوای گلاسه باشد، اصطلاحاً به آن، جلد «شومیز»^۱ می گویند.

وضعیت دیگر، کتاب هایی هستند که جلد آنها مقوای سخت و ضخیمی است که پوششی از کاغذی خاص به نام «گالینگور» دارد و جلد این کتاب ها را در اصطلاح،

۱- این واژه نام تجاری نوعی مقوای بوده است.

در کتاب حالت سومی را هم در نظر گرفته است و اشتباه در همین جا مطرح می شود که جلد کتاب ها شامل دو دسته هستند، یکی جلد سخت و دیگری جلد شومیز و حالت سومی وجود ندارد.



واحدهای پیش از متن

در این قسمت در مورد آستر بدرقه صحبت شده است، که بهتر بود بخش های کتاب به صورت تفکیک شده توضیح داده می شد به فرض مثال بخش جلد شامل انواع جلد و با توجه به آن آستر بدرقه را تعریف می کرد. نه در این بخش که شامل موارد دیگری هم می شود.

قلم و فونت مناسب آن را انتخاب کرده و گاه به شیوه ای آزاد طراحی می کند.
 علاوه بر عنوان، برای انتقال بهتر موضوع و نیز ایجاد جذابیت بیشتر اصولاً برای طراحی رو جلد از تصویر (طرح و عکس، نقش و رنگ و... استفاده می شود. که طراحی، گزینش و ترکیب بندی آن از وظایف یک طراح گرافیک است.
 طراحی جلد کتاب یکی از همان موارد مربوط به دیزاین است که در فصل قبلی به آن اشاره شد.

واحدهای پیش از متن: این واحدها، شامل آستر بدرقه در کتاب های جلد سخت و صفحات قبل از متن هستند.

آستر بدرقه، فقط در کتاب هایی با جلد ضخیم وجود دارد که آن جلد ضخیم را به صفحات داخلی کتاب متصل می کند و لبه های برگشته گالینگور جلد، در زیر آن مخفی می گردد. جنس آستر بدرقه باید ضخیم تر از صفحات کتاب باشد و معمولاً هم چنین است.

مثلاً اگر کاغذ به کار رفته در کتابی ۷۰ یا ۸۰ گرمی ست^۱، کاغذ آستر بدرقه آن باید ۱۱۰ یا ۱۲۰ گرمی باشد. رنگ کاغذ آستر بدرقه گاهی سفید و گاهی رنگی ست که در صورت رنگی بودن بهتر است با رنگ گالینگور جلد، هماهنگ و هم خانواده باشد. گاهی هم بر حسب موضوع کتاب، ممکن است نقش یا طرح یا عکسی در آستر بدرقه کتاب بیاید. معمولاً در کتاب های هنری استفاده از آستر بدرقه به عنوان فضایی برای عرضه خلاقیت رایج است.

پس از آستر بدرقه، نخستین صفحه کتاب، صفحه عنوان کوچک است. در این صفحه، فقط نام کتاب با حروفی نه چندان بزرگ نوشته می شود و غیر از آن هیچ مطلب دیگری در این صفحه درج نمی گردد.

در کتاب های کم حجم، مانند کتاب های کودکان، وجود چنین صفحه ای ضروری نیست و بعضی ناشران نیز به سلیقه شخصی خود، چنین صفحه ای را در کتاب منظور نمی کنند.

صفحه دوم از صفحات قبل از متن، صفحه پشت صفحه عنوان کوچک است و باید

۱- کاغذ را معمولاً بر حسب وزن آن نام گذاری می کنند. وقتی گفته می شود کاغذ ۷۰ گرمی، یعنی وزن سطحی به ابعاد یک متر در یک متر از این کاغذ ۷۰ گرم است یا وقتی مقوایی را ۳۰۰ گرمی می نامیم یعنی قطعه ای به ابعاد ۱×۱ از این مقوا، ۳۰۰ گرم وزن دارد.

در صفحه ی ۱۵ پاراگراف سوم مواردی راجع به ترتیب قرار گرفتن واژه ها و عبارات در صفحه ی عنوان اصلی و استفاده از عکس و تصویرسازی بیان شده است. که این موارد در صفحه آرایی دارای قانون مشخصی نیستند و بستگی به ایده و نظر طراح انجام می شود.

سفید باشد. صفحه سوم، صفحه عنوان اصلی است.

در این صفحه باید نام کتاب با حروفی نسبتاً درشت در حدود $\frac{1}{4}$ بالای صفحه درج شود و نام مؤلف و مترجم با حروف کوچک تر در زیر آن و نام ناشر و سال انتشار با حروف ریز در قسمت تحتانی آن و نیز آرم ناشر در همین قسمت صفحه بیاید. اگر نام کتاب، توضیحی به دنبال دارد، محل درج آن در همین صفحه است و نباید در صفحه عنوان کوچک آورده شود. به طور مثال، اگر پس از عنوان کتاب «راهنمای آماده ساختن کتاب» درج عبارت «برای مؤلفان، مترجمان، و ویراستاران» ضروری است، عبارت اخیر، فقط در صفحه عنوان اصلی در زیر عنوان کتاب قرار می گیرد و در صفحه عنوان کوچک نیازی به ذکر آن نیست.

ترتیب قرار گرفتن واژه ها و عبارات در صفحه عنوان اصلی معمولاً متقارن و به ندرت به شیوه های دیگر مانند «راست چین» یا «چپ چین» می باشد و در هر حال معمول نیست در این صفحه از عکس یا طرح و تصویر سازی استفاده کرد و جز در موارد بسیار نادر که آنهم بستگی به موضوع کتاب و مخاطب دارد، اخذ چنین تصمیمی درست نیست.

صفحه چهارم، صفحه حقوق یا شناسنامه است. در این صفحه، نام، نشانی و آرم ناشر، نام و نام خانوادگی مؤلف، نام و نام خانوادگی مترجم، اسامی مجریان فنی مانند طراح جلد، طراح صفحات، حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی و نیز نوبت چاپ و تاریخ آن، شمارگان و شهری که عمل نشر در آن صورت پذیرفته است، به ترتیب درج می شود.

در صورت صلاح دید ناشر، عباراتی از قبیل «حق چاپ محفوظ است» یا «استفاده از عکسها باید با اجازه ناشر باشد» و عبارت های مشابه، باید در این صفحه قرار گیرند. شماره ثبت کتابخانه ملی یا کادر حاوی اطلاعات کتابداری کتاب هم باید در این صفحه درج شود.

صفحه پنجم، صفحه اهدا یا تقدیم نامه است. یعنی اگر کتاب تقدیم به کسی یا جایی شده است، عبارتی که این اهدا را می رساند باید در محلی از این صفحه، به سلیقه طراح

۱ و ۲- این دو اصطلاح در حروف چینی به کار می روند و نوع چین را مشخص می کنند. راست چین یعنی سطرها ی حروفچینی شده ای که ابتدای آنها از طرف راست سطر همه زیر هم و دقیقاً در یک راستاست ولی از طرف انتهای سطر، هر سطر آزادانه طول خود را دارد و انتهای سطرها زیر یکدیگر نیستند. چپ چین هم، برعکس این معنی را دارد و در آن، انتهای سطرها از طرف چپ دقیقاً زیر یکدیگر میزن هستند.

در صفحه ی ۱۶ پاراگراف پنجم بهتر بود عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» در بخش عنوان توضیح داده شود نه در این قسمت.

کتاب بیاید که از نظر عملکرد و زیباشناسی مناسب باشد، گاهی کتاب به چند شخص مختلف تقدیم می شود ولی به ندرت متن اهدائیه از حجم یک صفحه ای افزایش می یابد و بقیه آن به صفحه پشت آن می رود. در هر حال موضوع بعدی از صفحه فرد شروع می شود و صفحه پشت تقدیم نامه سفید است (صفحه ششم).

صفحه هفتم، یادداشت ناشر یا پیش گفتار دیگران از جمله پیش گفتار مترجم، یا پیش گفتارهای مؤلف (برای چاپ های مختلف) را در خود جای می دهد. تعداد صفحات، قابل پیش بینی نیست ولی در هر حال باید پیش گفتار مترجم و پیش گفتار مؤلف، در چاپ اول و در چاپ های بعد، همه از صفحه فرد^۱ شروع شود.

صفحه قدردانی پس از پیش گفتار مؤلف قرار می گیرد، چه صفحه زوج باشد و چه صفحه فرد. پس از آن نوبت فهرست مطالب است.

در کتاب هایی که تعداد صفحات و عناوین داخلی و فرعی آن زیاد است، یک فهرست کوتاه به صورت جداگانه، قبل از فهرست تفصیلی قرار می گیرد. پس از فهرست مطالب، گاهی در کتاب هایی که تعداد تصاویر و جدول های آنها زیاد است، فهرست تصاویر و جدول ها ارائه می شود.

ترجیح دارد که غیر از آستر بدرقه، بقیه صفحاتی که مجموعاً صفحات قبل از متن را تشکیل می دهند، یک یا دو فرم کامل چاپی^۲ باشد یعنی ۸ یا ۱۶ یا ۳۲ صفحه، نام خدا یا عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم»^۳ یا در شروع مقدمه کتاب می آید و یا در نخستین صفحه قبل از صفحه عنوان کوچک که به وضعیت صفحات قبل از متن و تلاش برای تکمیل کردن فرم چاپی بستگی دارد.

در صفحات قبل از متن، یا شماره صفحه درج نمی شود یا شماره صفحه ای چاپ می شود که با شماره صفحات متن متفاوت است. مثلاً شماره صفحه حروفی یا شماره

۱ - در تمام کتاب های فارسی یا زبان هایی که از سمت راست به چپ نوشته می شوند صفحه راست، شماره زوج دارد و صفحه سمت چپ شماره فرد، پس صفحه شماره ۱، صفحه سمت چپ است و پشت آن صفحه ۲، در سمت راست است و صفحه مجاور صفحه ۲ می شود صفحه ۳ یعنی ۳ و ۲ مقابل یکدیگر قرار می گیرند و همین گونه تا آخر. شماره صفحات در کتاب ها و مجلات زبان هایی که از سمت چپ خوانده و نوشته می شوند، برعکس است.

۲ - اصطلاح «فرم» در مورد کتاب به معنی آن تعداد از صفحات کتاب است که به طور هم زمان در دستگاه چاپ، تکثیر می شوند. فرم های کتاب معمولاً ۱۶ صفحه ای (۸ صفحه رو و ۸ صفحه پشت) و گاهی ۳۲ صفحه ای (۱۶ صفحه رو و ۱۶ صفحه پشت) هستند. اگر در عطف یک کتاب جلد زر کوب دقت کنید، فرم های تا شده شانزده صفحه ای را روی هم مشاهده می کنید.

در بخش صفحات متن در پاراگراف دوم بیان شده است که کتاب ها بر حسب نوع متن، طبقه بندی می شوند. در صورتی که کتاب ها بر اساس بدنه و محتوای اصلی آن تقسیم بندی می شوند.

صفحه ای که با اعداد رومی نوشته شده باشد.

واضح است که صفحات قبل از متن هر کتاب، لزوماً تمام بخش های اشاره شده را ندارد و آن چه ذکر شد، تمام قسمت های احتمالی است که قبل از متن یک کتاب ممکن است وجود داشته باشد.
 بنابراین اگر کتابی فاقد هر یک از این اجزا باشد، موضوع بعدی به جای آن قرار می گیرد.

صفحات متن

این صفحات حتماً از صفحه فرد شروع می شوند و جمع آنها با واحدهای پس از متن باید دارای تعداد فرم چاپی مشخصی باشد و فرم های چاپی را تکمیل کند. به همین دلیل است که در برخی کتاب ها در پایان یکی دو برگ سفید می بینید زیرا فرم چاپی آن کتاب ها تکمیل نشده است.

متن، بدنه اصلی کتاب است و کتاب ها بر حسب نوع متن، طبقه بندی می شوند. به طور مثال، وقتی گفته می شود کتاب مرجع، یعنی کتاب هایی مانند دایره المعارف یا فرهنگ لغت که متن آنها مورد استفاده همیشگی است و باید در هنگام نیاز به آنها رجوع نمود. یا کتاب درسی یعنی کتابی که متن آن جنبه آموزشی دارد و برای نوآموزان، یا دانش آموزان و یا دانشجویان تنظیم شده است.

کتاب دستی^۱ کتابی ست که متن آن در زمینه ای ویژه، مفاهیم اساسی آن زمینه را بیان می کند و کاربردی مشابه کتاب مرجع دارد.

کتاب ها را از نظر موضوع متن می توان به گروه هایی مانند علمی، ادبی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی، هنری و... نیز تقسیم نمود.

متن کتاب ممکن است از دو یا چند بخش اصلی تشکیل شود و هر بخش خود، شامل چندین فصل باشد.

صفحات شروع هر بخش، صفحه فردی ست که پشت آن سفید و ممکن است دارای طرح ویژه ای به صورت تصویر سازی، عکس یا فقط رعایت ویژگی های خاص در انتخاب حروف و چگونگی استقرار آن در صفحه باشد. اگر تعداد فصل ها در کتابی، نسبت به

1 - Hand Book

در صفحه ی ۲۰ قسمت جدول که راجع به قطعات کتاب صحبت شده است. اندازه کاغذ را بعد از برش نشان داده است ولی باید اندازه قبل از برش را هم در جدول بیان می کرد.

اصطلاح دیگر «خشتی» است. خشتی، به کتاب هایی گفته می شود که قطع کاملاً مربع شکل یا در حدود مربع دارند. بنابراین قطع یا حالت خشتی به کتابی گفته می شود که حدوداً یا دقیقاً مربع شکل باشد و اندازه مرسوم آن در ایران حدود ۲۲×۲۲ سانتی متر است ولی اندازه های دیگری نیز از کتاب های خشتی به چشم می خورد. در ساختن کتاب های قطع خشتی، ملاک عمده آن است که حتی الامکان دور ریز کاغذ آنها، کم باشد. غیر از قطع هایی که در جدول ۱-۲ نشان داده شده است، اگر نیاز به قطع دیگری باشد، در انتخاب این قطع، باید ملاک کاهش دور ریز کاغذ را در نظر بگیریم. در شمارگان (تیراژهای) بالا، قطع های خارج از این جدول توصیه نمی شود.

جدول ۱-۲

قطع کتاب	اندازه بعد از برش بر حسب سانتی متر	طول سطر مناسب بر حسب سانتی متر	اندازه کاغذ مناسب بر حسب سانتی متر
وزیری	۱۶/۸×۲۴	۱۱/۷ تا ۱۲/۵	۱۰۰×۷۰ (چهار و نیم ورق)
رقعی	۱۴/۵×۲۱/۵	۱۰ تا ۱۰/۸	۹۰×۶۰ (سه ورق)
رحلی	۲۱×۲۸	یک یا دو ستونی با در نظر گرفتن کاربرد و چگونگی متن	۹۰×۶۰ (سه ورق)
رحلی بزرگ	۲۴×۳۳/۵	یک یا دو ستونی با در نظر گرفتن کاربرد و چگونگی متن	۱۰۰×۷۰ (چهار و نیم ورق)
دانشگاهی	۱۵/۵×۲۳	۱۰/۸ تا ۱۱/۶	۱۰۰×۷۰ (چهار و نیم ورق)
دانشگاهی بزرگ	۱۹×۲۵/۵	۱۲/۷ تا ۱۴/۵	۹۰×۶۰ (سه ورق)

در محاسبه دور ریز کاغذ توجه به این نکته ضروری است که حدود یک سانتی متر از اطراف هر فرم چاپی باید به عنوان سطح غیر مفید در نظر گرفته شود که به آن در اصطلاح «حاشیه اطمینان» می گویند و به این ترتیب، از ابعاد مؤثر و مفید کاغذ، حدود دو سانتی متر از طول و دو سانتی متر از عرض آن کم می شود (شکل ۱-۲).

غیر از این مقدار، همیشه در کارهای چاپی نیم سانتی متر هم برای برش باید پیش بینی گردد که این حدود نیم سانتی متر، دور ریز کاغذ بر اثر برش است. این نکته، ویژه کتاب نیست و در هر کار چاپی وجود دارد.

آخرین پاراگراف در همین صفحه بعد از برش حدود نیم سانتی متر دور ریز برای کاغذ لحاظ شده است. در صورتی که هیچ قانونی برای آن وجود ندارد ممکن است ۱ الی ۲ سانتی متر هم بتوان برای این منظور در نظر گرفت.

اصطلاح دیگر «خشتی» است. خشتی، به کتاب هایی گفته می شود که قطع کاملاً مربع شکل یا در حدود مربع دارند. بنابراین قطع یا حالت خشتی به کتابی گفته می شود که حدوداً یا دقیقاً مربع شکل باشد و اندازه مرسوم آن در ایران حدود ۲۲×۲۲ سانتی متر است ولی اندازه های دیگری نیز از کتاب های خشتی به چشم می خورد. در ساختن کتاب های قطع خشتی، ملاک عمده آن است که حتی الامکان دور ریز کاغذ آنها، کم باشد. غیر از قطع هایی که در جدول ۱-۲ نشان داده شده است، اگر نیاز به قطع دیگری باشد، در انتخاب این قطع، باید ملاک کاهش دور ریز کاغذ را در نظر بگیریم. در شمارگان (تیراژهای) بالا، قطع های خارج از این جدول توصیه نمی شود.

جدول ۱-۲

قطع کتاب	اندازه بعد از برش بر حسب سانتی متر	طول سطر مناسب بر حسب سانتی متر	اندازه کاغذ مناسب بر حسب سانتی متر
وزیری	۱۶/۸×۲۴	۱۱/۷ تا ۱۲/۵	۱۰۰×۷۰ (چهار و نیم ورق)
رقعی	۱۴/۵×۲۱/۵	۱۰ تا ۱۰/۸	۹۰×۶۰ (سه ورق)
رحلی	۲۱×۲۸	یک یا دو ستونی با در نظر گرفتن کاربرد و چگونگی متن	۹۰×۶۰ (سه ورق)
رحلی بزرگ	۲۴×۳۳/۵	یک یا دو ستونی با در نظر گرفتن کاربرد و چگونگی متن	۱۰۰×۷۰ (چهار و نیم ورق)
دانشگاهی	۱۵/۵×۲۳	۱۰/۸ تا ۱۱/۶	۱۰۰×۷۰ (چهار و نیم ورق)
دانشگاهی بزرگ	۱۹×۲۵/۵	۱۲/۷ تا ۱۴/۵	۹۰×۶۰ (سه ورق)

در محاسبه دور ریز کاغذ توجه به این نکته ضروری است که حدود یک سانتی متر از اطراف هر فرم چاپی باید به عنوان سطح غیر مفید در نظر گرفته شود که به آن در اصطلاح «حاشیه اطمینان» می گویند و به این ترتیب، از ابعاد مؤثر و مفید کاغذ، حدود دو سانتی متر از طول و دو سانتی متر از عرض آن کم می شود (شکل ۱-۲).

غیر از این مقدار، همیشه در کارهای چاپی نیم سانتی متر هم برای برش باید پیش بینی گردد که این حدود نیم سانتی متر، دور ریز کاغذ بر اثر برش است. این نکته، ویژه کتاب نیست و در هر کار چاپی وجود دارد.

فصل سوم: صفحه آرایی کتاب

در قسمت هدف های رفتاری این فصل به ۱۲ مورد اشاره شده است که در پایان فصل از فراگیر انتظار می رود.

با توجه به این که این فصل یکی از فصل های مهم کتاب محسوب می شود، متأسفانه موارد ارائه شده بسیار کوتاه و جزئی هستند در صورتی که برای شناخت صفحه و صفحه آرایی به آموزش موارد فنی و اصول مبانی صفحه نیاز است. بنابراین ابتدا باید زیر ساخت های یک صفحه را شناخت و در مرحله بعد موارد تکنیکی و کاربردی در صفحه آرایی را به هنرجویان آموزش داد. هر صفحه دارای سه عنصر کاربردی و تکنیکی است. این سه عنصر عبارتند از نوشتار، تصویر و فضا که هنرجویان باید حتما این سه عنصر را بشناسند و بتوانند کاربردهای آن را در صفحه اجرا کنند. با درک و شناخت صحیح از این عناصر است که هنرجو می تواند برای همه پارامترهای گرافیک صفحه آرایی اصولی ای ارائه کند. و در این مرحله هنرجویان به درک صحیحی از صفحه آرایی می رسند.

فصل سوم: صفحه آرایی کتاب

هدف های رفتاری:

در پایان این فصل، از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- در مورد تعیین حروف اطلاعات کلی را بداند.
- ۲- واحدهای چاپی را تعریف کند.
- ۳- پایه کار یا گرید را بشناسد و برای هر کتاب، پایه کار مناسب طراحی نماید.
- ۴- تناسب طلایی را درک کند و کاربرد آن را در صفحه آرایی کتاب توضیح دهد.
- ۵- در مورد سرفصل های کتاب، اطلاعات بصری لازم را داشته باشد و طرح سرفصل مناسب برای هر کتاب را ارائه دهد.
- ۶- کاربرد گرید را در موارد غیر از صفحه آرایی توضیح دهد.
- ۷- «کرنینگ» و «لدینگ» را توضیح دهد.
- ۸- با توجه به اصول کلی صفحه آرایی کتاب، کتاب های بدون تصویر یا مصور را صفحه آرایی کند.
- ۹- تصاویر را ویرایش نماید.
- ۱۰- «جهت عکس» یا «زاویه دید» را تعریف کند و هر عکس را در جای مناسب صفحه قرار دهد.
- ۱۱- مفهوم تعادل را در صفحه توضیح دهد و دو صفحه مجاور را متعادل طراحی کند.
- ۱۲- ویژگی های صفحه آرایی کتاب کودک را توضیح دهد.

بخش اول این فصل که در کتاب با عنوان تعیین حروف شروع می شود، نکته قابل نقد دارد. چرا که مؤلف این بخش را با واحد اندازه گیری حروف چاپی «پونت» آغاز کرده است. این می تواند نکته ای باشد که هنر جو را به بیراهه می برد. در صورتی که ابتدا هنرجو باید عنصر نوشتار را بشناسد و بعد به نکات تکنیکی و کاربردی آن برسد. چیزی که در این بخش رعایت نشده است. در اینجا حتی تعریفی که از واژه پونت هم آمده است، خیلی مختصر است و نیاز به توضیح بیشتری دارد. در ادامه ی همین توضیحات در پاراگراف بعدی پونت را با تعیین ضخامت حروف ارتباط داده است. که در اینجا هم نیاز به توضیحات بیشتری است. در کل تعریفی از جزئیات ندارد و بیشتر کلی گویی شده است. و هنرجو نمی تواند با همین مختصر تعریف، شناخت و درکی از تعیین حروف پیدا کند. بنابراین در این قسمت بهتر بود که تعریف کلی از نوشتار داشته باشد و به هنرجو راجع به نوع فونت و کاربرد حروف برای متن و جایگاه آن توضیحاتی ارائه می شد. شاید بتوان این موارد را هر چند جزیی در بخش مطالعه آزاد ببینیم، ولی باز هم جای خالی آن احساس می شود.

تعیین حروف^۱

واحد اندازه گیری حروف چاپی «پونت» نام دارد که اندازه آن ۰/۳۷۶ میلی متر است. پونت را در انگلیسی و فرانسه به صورت Point و در آلمانی به صورت Punkt می نویسند و در فارسی آن را «بُنْ نْ تْ» تلفظ می کنند ولی به صورت های «پنط»، «پونط» و «پونت» هم می نویسند.

اندازه حروف، بر حسب واحد پونت بیان می شود ولی برای تعیین ضخامت آن از واژه های «نازک» و «سیاه» استفاده می شود که در انگلیسی به ترتیب معادل آنها Bold و Light است. تفاوت حروف ۱۳ نازک، با حروف ۱۳ سیاه فقط در درشت تر بودن و تیره تر بودن ۱۳ سیاه است و گرته از ارتفاع هر دو قلم یکی است.

مطالعه آزاد

تعیین حروف مطالب باید با پرهیز از پراگویی و ارائه توضیحات طولانی و با استفاده از علائم اختصاری و حتی امکان کاربرد قلم های رنگی انجام شود و دقت در این فرایند، سبب صرفه جویی در زمان و جلوگیری از دوباره کاری و اشتباهات مختلف می شود.

هرگاه دور کلمه ای خط کشیده شود، به معنای حذف آن است. کلماتی که زیر آنها خط کشیده می شود، یعنی با حروف سیاه چیده شوند.

کلماتی که زیر آنها خط موجی شکل (~~~~~) کشیده می شود به معنی آن است که مقداری شیب به صورت یکنواخت داشته باشد که به آن «ایتالیک» گویند و واژه «ایرانیک» هم معادل آن ابداع شده است.

اگر به این خط موجی، خط ممتدی اضافه شود، (~~~~~) به معنی سیاه و ایرانیک است.

در جدول ۱-۳ برخی از نشانه های مهم تعیین حروف که امروزه در ایران کاربرد دارد، معرفی شده است.

در متن کتاب برای پانوشته ها، جدول ها، عناوین اصلی و فرعی، سرصفحه ها و... حروف متنوعی لازم است.

۱- تعیین حروف را «مارک آپ» (Mark up) نیز می گویند که معادل انگلیسی آن است.

در صفحه ۲۵ شاهد جدولی هستیم با عنوان علائم اختصاری و کاربردهای آن که می توان گفت برای سطح آموزشی در هنرستان کافی و قابل قبول است.

عنوان بخش بعدی پایه کار یا گرید است، با توجه به این که در بخش قبلی هنوز نکته های بسیار مهمی مربوط به مبحث نوشتار باقی مانده است، این بخش بلا فاصله بعد از تعیین حروف آمده است و می تواند یک اشتباه باشد. با توجه به بخش نوشتار در فصل دوم پژوهش نوشتار به قسمت تکنیکی و کاربردی تقسیم شد، که موارد تکنیکی آن شامل (تایپ و تایپ فیس، خانواده حروف، ساختار، آناتومی حروف؛ اجزای حروف، فونت، اصطلاحات نوشتاری) و موارد کاربردی آن (تیترا، متن، سوتیترا، زیرتیترا، روتیترا، میان تیترا، پانوش) است. که برای بخش نوشتار همه این موارد باید با جزییات کاربردی آموزش داده شود و تمریناتی برای آن طراحی کرد تا هنرجو هر چه بهتر با این مباحث آشنا شود و با شناخت آن ها بتواند بدون اشکال و با خلاقیت و رعایت اصول فنی در تمام پارامترهای گرافیکی موفق باشد.

اگر بخواهیم این بخش را با همان مبحث گرید قبول کنیم، با مطالعه و بررسی این بخش به این نتیجه می رسیم که توضیحات برای سطح آموزش در مقطع هنرستان کامل می باشد. ولی با این حال بهتر است توضیحات ساده تر، گویاتر و دارای انسجام بهتری باشد.

پایه کار یا گرید^۱

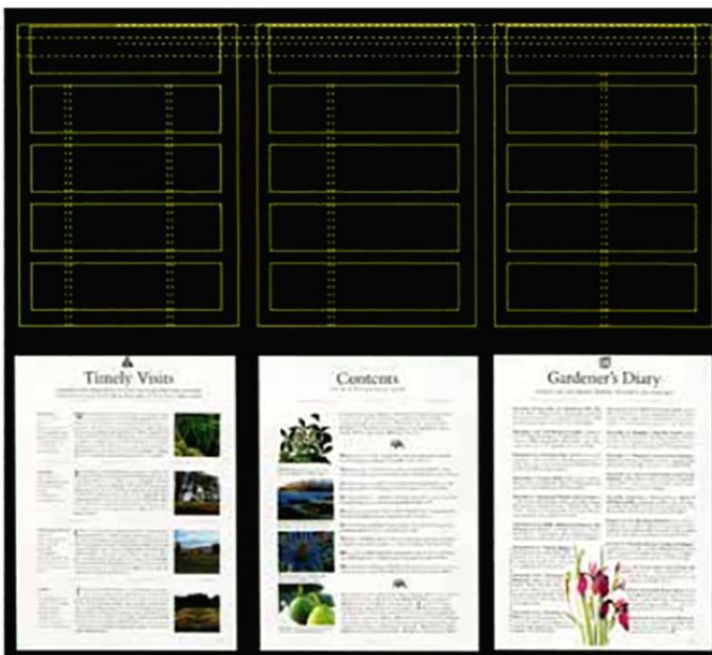
«پایه کار» یا «گرید»، نظامی بصری است که برای قانونمند کردن حاشیه های صفحات کتاب، فاصله سطرها از یکدیگر و فاصله ستون ها در حالتی که متن هر صفحه بیش از یک ستون باشد، و یکسان سازی این عوامل در کل کتاب از آن استفاده می شود. در نشر روی میزی پس از تعریف گرید در رایانه، تمام صفحات کتاب را بر مبنای آن صفحه آرایی می کنند و طراحی گرید مناسب، سبب می شود که وحدت لازم در شکل تمام صفحات کتاب برقرار گردد و نظم لازم در استقرار عناصر بصری ایجاد شود. در کشور ما از قرن ها پیش، خوشنویسان برای یکسان بودن فاصله و طول سطرها در کتاب های خطی، از صفحه ای مقوایی استفاده می کردند که در آن محل کرسی خطوط، ریسمانی کشیده شده بود.

یعنی، در یک صفحه مقوایی به اندازه صفحات کتابی که قرار بود خوشنویسی شود،

1 - grid

نمونه ای از گرید برای کتاب یک کتاب تصویری و نوشتاری

شکل ۳-۹

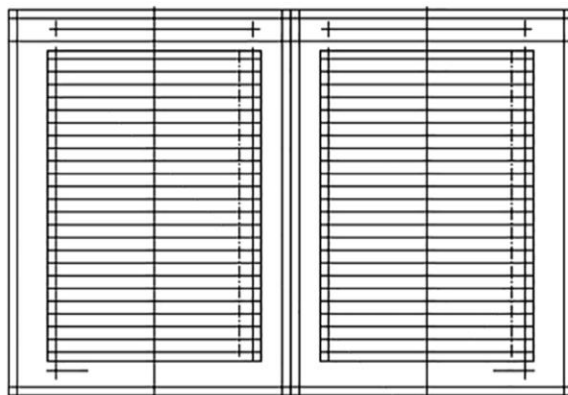


شکل ۳-۱۱

شکل ۳-۱۰



شکل ۳-۱۲



شکل ۳-۳- گرید یک کتاب که در قسمت بالای آن جای واژگان سر صفحه و در قسمت تحتانی جای شماره صفحه مشخص شده است. خط تقارن صفحه که در حالت عمودی رسم شده است، برای تعیین محل استقرار تیترها و میان تیترها کاربرد دارد و خط چین، محل قرارگیری تورفتگی شروع پاراگراف هاست که در اصطلاح به آن "سرسطر" می گویند.

این خطوط متقاطع، باید به گونه ای در گرید تعریف شوند که هم دقیقاً محل شماره صفحه مشخص باشد و پایین آن روی خط تنظیم گردد و هم جای واژگان دیگر مانند نام کتاب و نام فصل در نظر گرفته شده باشد.

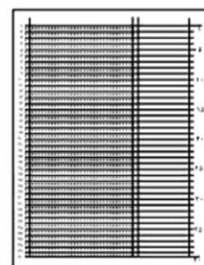
محل قرارگیری، نباید به برش نزدیک شود و به سطح حاصل از استقرار حروف متن معمولاً نزدیک تر است.

گرید معمولاً باید با خطوط نازکی در رایانه تعریف شود که حدود ۰/۲ میلی متر برای ضخامت خطوط آن کافی است.

گرید، یک الگوی از پیش تعیین شده نیست، بلکه در هر نوع کتابی حالتی ویژه می تواند داشته باشد که سبب استقرار مناسب عناصر بصری متفاوتی مانند: حروف متن، عنوان ها، ریزنقش ها شود.

گرید باعث ایجاد تناسب بین طرح و مطالب، تبدیل پراکندگی به تجمع، ایجاد خلاقیت های منطقی و جلوگیری از اتلاف وقت می شود و امروزه در تمام مواردی که با سطرهایی از نوشتار سروکار داریم، ضروری است.

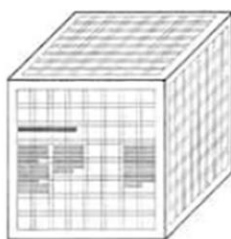
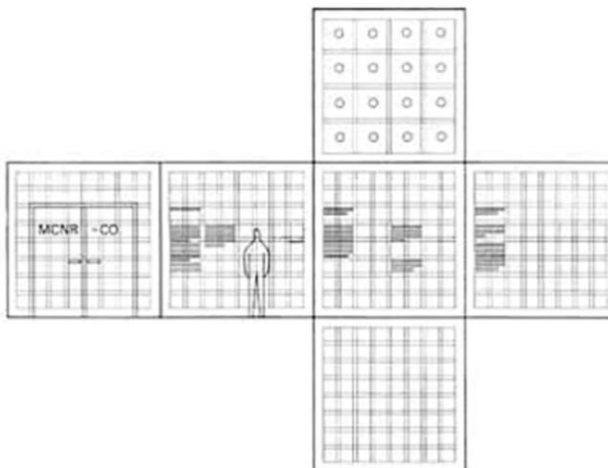
شکل ۳-۵، نشان می دهد که چگونه حاشیه های صفحه را در کتاب های خطی و نخستین کتاب های چاپی تعیین می کرده اند.



شکل ۳-۴- پایه کار یک کتاب درسی یا قطع رحلی (۲۸/۵×۲۱ سانتی متر). ستون باریک، ویژه تصاویر و شرح آنهاست و ستون پهن، متن کتاب را در بر می گیرد. سطرها پنج تا پنج تا شماره دارند تا طول ستونی از حروف چینی را بتوان با آن اندازه گرفت.

تصاویر و نوشته ها (شکل های ۱۵-۳ و ۱۶-۳). در طراحی مبلمان (شکل ۱۷-۳)، نقاشی (شکل ۱۸-۳). معماری (شکل ۱۹-۳) نیز حضور گرید دیده می شود.

► شکل ۱۵-۳ این طرح نشان می دهد که در معماری داخلی یک فضای مشخص، چگونه با استفاده از گرید، ارتفاع و عرض در، محل نصب اعلامیه ها و پوستره های اطلاع رسانی، مکان نصب چراغ های سقف تعیین شده اند.



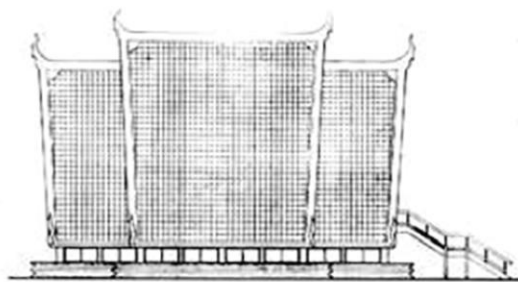
شکل ۱۶-۳ کاربرد سه بعدی گرید که به طور مثال در طراحی داخلی یا خارج یک غرفه ی نمایشگاهی می توان از آن استفاده کرد.



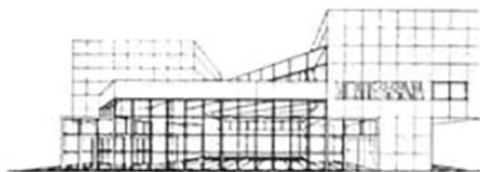
► شکل ۱۷-۳ کاربرد گرید در طراحی مبلمان



شکل ۳-۱۸ کاربرد گرید در
یک تابلو نقاشی، ۱۰۰×۱۰۰
سانتی متر، آکرلیک روی بوم،
۱۳۸۶، اثر مهدی حسینی



شکل ۳-۱۹ کاربرد گرید در
معماری



چگونگی صفحه آرای کتاب:

همانطور که از عنوان این بخش پیداست برای صفحه آرای کتاب عناصر صفحه با همه عوامل فنی و کاربردی نقش بسیار مهمی دارند. با مطالعه این بخش این برداشت به وجود می آید که نوشتار که یکی از عناصر بسیار مهم و کاربردی در صفحه آرای می باشد، از جایگاه بسیار کم اهمیت و کم رنگی برخوردار است. در مورد مبحث تصویر مؤلف مواردی را بیان کرده است که مورد توجه است ولی تعریفی از تصویر و انواع آن و کاربردش در صفحه ارائه نشده است، و در مورد مبحث فضا که هیچ گونه تعریف و اشاره ای دیده نمی شود.

در ابتدای این بخش با یک اشتباه بزرگ روبرو می شویم، که کتاب ها را از نظر صفحه آرای به دو گروه کلی تقسیم کرده است. گروه اول، کتاب هایی مانند ادبیات داستانی که فاقد تصویر، نمودار و جدول هستند و فقط واژگان به عنوان حروف متن و تیرهای اصلی و فرعی و پانویشت و.... در صفحات آن ها دیده می شود و گروه دوم کتاب های مصور هستند. با مطالعه در این زمینه می توان به این نتیجه رسید، که برای صفحه آرای کتاب تقسیم بندی کاملی در دسترس نیست، لذا بهترین ملاک موضوع و محتوای کتاب است، که با آن می توان صفحه آرای در خور توجهی ارائه داد.

چگونگی صفحه آرای کتاب:

کتاب ها را از نظر صفحه آرای، می توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: یک گروه، کتاب هایی مانند ادبیات داستانی که تصویر، نمودار و جدول ندارند و فقط واژگان به عنوان حروف متن و تیرهای اصلی و تیرهای فرعی و پانویشت و... در صفحات آنها دیده می شود. این گونه کتاب ها نیازی به طراح گرافیک ندارد و حروفچین، مطابق دستورالعملی که به او داده شده است، در ارتفاع تعیین شده برای هر صفحه و طول سطر مشخص بر مبنای قطع کتاب و اندازه حروف معلوم، تمام صفحات را تنظیم می کند و سرصفحه ها را در محل ثابتی قرار می دهد.

در همین پاراگراف راجع به گروه اول گفته شده است که این گونه کتاب ها نیازی به طراح گرافیک ندارد و حروفچین، طبق دستورالعملی که به او داده شده است، تمام صفحات را تنظیم می کند و سر صفحه ها را در محل ثابتی قرار می دهد. این بیان مؤلف کاملاً غلط و اشتباه است. چرا که هر کتابی احتیاج به طراح گرافیک دارد و هر صفحه ای هم صفحه آرای می خواهد و نیاز به صفحه آرا دارد. و اشتباه دیگر این است که وقتی گفته می شود حروفچین طبق دستورالعملی که به

او واگذار شده صفحه را تنظیم می کند، وظیفه حروفچین در عصر کنونی فقط تایپ متن می باشد و بقیه موارد موجود در صفحه، کار صفحه آرا است.

چگونگی صفحه آرای کتاب:

کتاب ها را از نظر صفحه آرای، می توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: یک گروه، کتاب هایی مانند ادبیات داستانی که تصویر، نمودار و جدول ندارند و فقط واژگان به عنوان حروف متن و تیرهای اصلی و تیرهای فرعی و پانوش و... در صفحات آنها دیده می شود. این گونه کتاب ها نیازی به طراح گرافیک ندارد و حروفچین، مطابق دستورالعملی که به او داده شده است، در ارتفاع تعیین شده برای هر صفحه و طول سطر مشخص بر مبنای قطع کتاب و اندازه حروف معلوم، تمام صفحات را تنظیم می کند و سرصفحه ها را در محل ثابتی قرار می دهد.

سرسفحه ها، تنها واژگانی هستند که مجازند در حاشیه های صفحه قرار گیرند. معمولاً سرصفحه سمت راست، که در صفحه زوج واقع می شود، نام کتاب است و سرصفحه سمت چپ، که در صفحه فرد قرار دارد، نام فصل می باشد. به بیان کامل تر، عنوانی که ثابت تر است در صفحه زوج و مطلبی که نسبت به این صفحه زودتر تغییر می کند در صفحه فرد قرار می گیرد.

سرسفحه ها، عامل مناسبی برای تزئین صفحه هستند و نوع قلم و اندازه و محل قرارگیری آنها اهمیتی اساسی در شکل صفحه و تأثیر بصری آن دارد. مثلاً در کتابی که درباره معارف اسلامی است، می توان نقش اسلیمی کوچک و ظریفی را در ترکیب با سرصفحه به کاربرد و شکل صفحه را زیباتر نمود و به فضای صفحه نیز روحانیتی بخشید.

نکته بسیار مهم این که در به کارگیری هر نقشی که قرار است در تمام صفحات کتاب تکرار شود، این واقعیت را باید در نظر داشت که نقش مزبور، از نظر بصری باید بسیار سبک باشد. یعنی یا بسیار ریز و با رنگی تیره و یا کمی درشت تر ولی با رنگی بسیار روشن و نزدیک به رنگ زمینه. این موضوع، شامل خطوط سرصفحه نیز می شود که اگر تمایلی به استفاده از خط در سرصفحه است، بهتر است نازک و ظریف اجرا شود.

در بیشتر کتاب ها، برای آرایش صفحات، نیازی به استفاده از نقش خاصی نیست و با انتخاب حروف صحیح و فواصل مناسب، صفحه را آرایش می نماییم و در نهایت، گاهی از خطوط مستقیم نازک برای رسیدن به ترکیب بصری مناسب در صفحه مدد می جوئیم. در این گروه از کتاب ها، مدیر تولید مؤسسه نشر، ضوابطی را برای تمام جنبه های

با مطالعه ی دقیقتر در سطرهای بعدی متوجه می شویم که مؤلف صفحه آرایی کتاب را در گروه اول، فقط مختص به سرفصلها، میان متن و پانویست ها می داند و اشاره ای به موارد دیگری از صفحه ننموده است. در صورتی که مواردی مانند نوع انتخاب فونت و اندازه آن برای متن ها، تیترها، میان تیترها، سوتیترها و تیتروهای فرعی و جایگاه آن ها در صفحه از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند که متأسفانه به آن ها توجهی نشده است.

چگونگی صفحه آرایی کتاب:

کتاب ها را از نظر صفحه آرایی، می توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: یک گروه، کتاب هایی مانند ادبیات داستانی که تصویر، نمودار و جدول ندارند و فقط واژگان به عنوان حروف متن و تیتروهای اصلی و تیتروهای فرعی و پانویست و... در صفحات آنها دیده می شود. این گونه کتاب ها نیازی به طراح گرافیک ندارد و حروفچین، مطابق دستورالعملی که به او داده شده است، در ارتفاع تعیین شده برای هر صفحه و طول سطر مشخص بر مبنای قطع کتاب و اندازه حروف معلوم، تمام صفحات را تنظیم می کند و سرفصلها را در محل ثابتی قرار می دهد.

سرفصلها، تنها واژگانی هستند که مجازند در حاشیه های صفحه قرار گیرند. معمولاً سرفصلها سمت راست، که در صفحه زوج واقع می شود، نام کتاب است و سرفصلها سمت چپ، که در صفحه فرد قرار دارد، نام فصل می باشد. به بیان کامل تر، عنوانی که ثابت تر است در صفحه زوج و مطلبی که نسبت به این صفحه زودتر تغییر می کند در صفحه فرد قرار می گیرد. سرفصلها، عامل مناسبی برای تزیین صفحه هستند و نوع قلم و اندازه و محل قرارگیری آنها اهمیتی اساسی در شکل صفحه و تأثیر بصری آن دارد. مثلاً در کتابی که درباره معارف اسلامی ست، می توان نقش اسلیمی کوچک و ظریفی را در ترکیب با سرفصلها به کاربرد و شکل صفحه را زیباتر نمود و به فضای صفحه نیز روحانیتی بخشید.

نکته بسیار مهم این که در به کارگیری هر نقشی که قرار است در تمام صفحات کتاب تکرار شود، این واقعیت را باید در نظر داشت که نقش مزبور، از نظر بصری باید بسیار سبک باشد. یعنی یا بسیار ریز و با رنگی تیره و یا کمی درشت تر ولی با رنگی بسیار روشن و نزدیک به رنگ زمینه. این موضوع، شامل خطوط سرفصلها نیز می شود که اگر تمایلی به استفاده از خط در سرفصلها است، بهتر است نازک و ظریف اجرا شود.

در بیشتر کتابها، برای آرایش صفحات، نیازی به استفاده از نقش خاصی نیست و با انتخاب حروف صحیح و فواصل مناسب، صفحه را آرایش می نماییم و در نهایت، گاهی از خطوط مستقیم نازک برای رسیدن به ترکیب بصری مناسب در صفحه مدد می جویم. در این گروه از کتابها، مدیر تولید مؤسسه نشر، ضوابطی را برای تمام جنبه های

بصری کتاب در نظر می گیرد که با استانداردهای تولید کتاب، سازگار باشد و تمام صفحات کتاب با رعایت این ضوابط آماده می گردد. بدیهی است که موارد مشابه در تمام کتاب باید همگون و یک شکل باشند؛ مانند: محل استقرار تیرها و میان تیرها و تیرهای فرعی تر و چگونگی شروع مطلب در آغاز فصل ها.

در هر صفحه، فقط باید با نوشتهایی را بیاوریم که متن مربوط به آن هم در همان صفحه موجود است. با نوشتن باید در قسمتی از صفحه بیایند که سطح حروف است و به حروف متن اختصاص دارد؛ یعنی صفحاتی که پانوشت دارند، از پایین کاملاً باید با صفحات بدون پانوشت در یک امتداد باشند و سطر آخر پانوشت در امتداد سطر آخر متن صفحه مجاور گیرد. چون فاصله سطرهای پانوشت کمتر از فاصله سطرهای متن است، فاصله بین آخرین سطر متن با اولین سطر پانوشت، در صفحات مختلف پانوشت دار یک کتاب واحد، یکسان نیست. میان متن و پانوشت، گاهی هیچ نوع علامتی نمی گذارند؛ اما گاهی یک خط کوتاه رسم می کنند (حداقل حدود طول سطر) در بعضی کتاب ها بین متن و پانوشت یک خط کامل برابر طول سایر سطرها رسم می کنند که این روش را توصیه نمی کنیم؛ بهتر است که هیچ خط و علامتی بین آخرین سطر متن و شروع پانوشت نگذاریم و یا از یک خط کوتاه استفاده کنیم.

مطالعه آزاد

- در مورد پانوشت صفات کتاب، موارد زیر را باید رعایت نمود:
- پانوشت های فارسی و پانوشت های فارسی و لاتین، همیشه از راست به چپ و با شماره های فارسی چاپ می شوند.
 - پانوشت های لاتین، همیشه از چپ به راست و با شماره های لاتین حروف چینی و صفحه آرایی می گردند.
 - در پایان پانوشت های توضیحی و ارجاعی باید نقطه گذاشت. اما اگر در پانوشت فقط نام یا اصطلاح آورده شود، در پایان آن نیازی به نقطه نیست.
 - اگر پانوشت ها کوتاه باشند و بخواهیم آنها را دنبال یکدیگر بیاوریم، فاصله میان

در مورد گروه دوم کتاب ها، به گفته مؤلف این گروه، کتاب هایی مصور هستند که در صفحه آرایشی آن ها، علاوه بر طرح ساختار کلی که در صفحه آرایشی کتاب های بدون تصویر توضیح داده شد نیازمند طراح صفحه آرا است که با شناخت کافی از ترکیب بندی و به طور کلی مبانی هنرهای تجسمی بتواند تصمیمات مناسب و مطلوبی اتخاذ کند. اشتباهی که در این قسمت وجود دارد این است که مؤلف تنها این گروه از کتاب ها را مستلزم صفحه آرایشی می داند. در صورتی که صفحه آرا غیر از شناخت ترکیب بندی و مبانی هنرهای تجسمی باید شناخت کاملی از تمام موارد فنی و تکنیکی و کاربردی عناصر صفحه داشته باشد و با توجه به این شناخت است که صفحه آرایشی انجام می دهد.

انتهای یک پانوش و ابتدای پانوش بعدی، معمولاً دو سیسرو یعنی ۹ میلی متر است. در هر حال، این مقدار بهتر است ثابت باشد و در سراسر کتاب ثابت بماند. در سال های اخیر، با رواج نشر روی میزی، این اندازه و نیز تورفتگی سطر در اول هر پاراگراف، بر اساس اعدادی مانند یک، یک و نیم، یا دو سانتی متر، در نظر گرفته می شود. ● در صورتی که در پایین صفحه برای تمام پانوش ها یا پانوش ها جا نباشد، بقیه آخرین پانوش پایین صفحه، به صفحه بعد برده می شود. در این صورت، باید از نشانه پیکان ظریف و کوچکی هم در پایان صفحه و در منتهی الیه سمت چپ، زیر آخرین سطر و نیز در شروع پانوش در صفحه بعد در بالای منتهی الیه سمت راست استفاده نمود(→).

گروه دوم، کتاب های مصور هستند که در صفحه آرای آنها، علاوه بر طرح یک ساختار کلی برای صفحه آرای کتاب و شکل صفحه عنوان، صفحه حقوق، سرفصل ها و ... که در صفحه آرای کتاب های بدون تصویر توضیح داده شد - نیاز است که صفحه آرا شناخت کافی از مفهوم ترکیب هنری یا کمپوزیسیون و به طور کلی مبانی هنرهای تجسمی داشته باشد تا بتواند در صفحه، درباره عوامل بصری، تصمیمات مقتضی مناسب و مطلوبی اتخاذ کند.

ساختار بصری، یعنی گرید این کتاب ها توضیح داده شد و البته صفحه آرا می تواند علاوه بر روش های ذکر شده، گرید مناسب برای یک کتاب مصور مشخص را طراحی نماید.

در کتاب های علمی و درسی که معمولاً تصویر هم دارند، تصمیم گیری در مورد جای تصاویر باید بسیار کاربردی و منطقی باشد و تصویر، نهایت نزدیکی را با متن مربوط به آن داشته باشد. باید برای اندازه تصاویر و چگونگی استقرار آنها در متن، تصمیمی ثابت گرفت.

مثلاً باید مشخص کنیم که تصاویر وسط در وسط باشند یا در سراسر کتاب در سطح حروف صفحات کتاب قرار گیرند و وارد حاشیه ها نشوند و یا به حاشیه ها نیز وارد گردند و تا برش ادامه یابند.

شرح تصاویر هم باید با قلمی ریزتر از متن باشد و هم از نظر چگونگی آرایش و

در سطرهای بعدی که در ارتباط با تصویر است، با توجه به توضیحات بخش تصویر در فصل دوم این پژوهش، بدون اینکه در مورد تصویر و انواع آن توضیحاتی داده شود و چگونگی کاربرد آن ها را بیان کند، به سراغ شرح عکس ها در کتاب های علمی و درسی می رود و بعد از آن در مورد وسط چین بودن و راست چین و چپ چین بودن شرح عکس ها براساس نوع آن ها مطالبی ارائه می دهد. که این یک ضعف برای بخش کاربردی عکس در صفحه می باشد.

انتهای یک پانوش و ابتدای پانوش بعدی، معمولاً دو سیرو یعنی ۹ میلی متر است. در هر حال، این مقدار بهتر است ثابت باشد و در سراسر کتاب ثابت بماند. در سال های اخیر، با رواج نشر روی میزی، این اندازه و نیز تورفتگی سطر در اول هر پاراگراف، بر اساس اعدادی مانند یک، یک و نیم، یا دو سانتی متر، در نظر گرفته می شود.

● در صورتی که در پایین صفحه برای تمام پانوش ها پانوش ها جا نباشد، بقیه آخرین پانوش پایین صفحه، به صفحه بعد برده می شود. در این صورت، باید از نشانه پیکان ظریف و کوچکی هم در پایان صفحه و در منتهی الیه سمت چپ، زیر آخرین سطر و نیز در شروع پانوش در صفحه بعد در بالای منتهی الیه سمت راست استفاده نمود(→).

گروه دوم، کتاب های مصور هستند که در صفحه آرای آنها، علاوه بر طرح یک ساختار کلی برای صفحه آرای کتاب و شکل صفحه عنوان، صفحه حقوق، سرفصل ها و... که در صفحه آرای کتاب های بدون تصویر توضیح داده شد - نیاز است که صفحه آرا شناخت کافی از مفهوم ترکیب هنری یا کمپوزیسیون و به طور کلی مبانی هنرهای تجسمی داشته باشد تا بتواند در صفحه، درباره عوامل بصری، تصمیمات مقتضی مناسب و مطلوبی اتخاذ کند.

ساختار بصری، یعنی گرید این کتاب ها توضیح داده شد و البته صفحه آرا می تواند علاوه بر روش های ذکر شده، گرید مناسب برای یک کتاب مصور مشخص را طراحی نماید.

در کتاب های علمی و درسی که معمولاً تصویر هم دارند، تصمیم گیری در مورد جای تصاویر باید بسیار کاربردی و منطقی باشد و تصویر، نهایت نزدیکی را با متن مربوط به آن داشته باشد. باید برای اندازه تصاویر و چگونگی استقرار آنها در متن، تصمیمی ثابت گرفت.

مثلاً باید مشخص کنیم که تصاویر وسط در وسط باشند یا در سراسر کتاب در سطح حروف صفحات کتاب قرار گیرند و وارد حاشیه ها نشوند و یا به حاشیه ها نیز وارد گردند و تا برش ادامه یابند.

شرح تصاویر هم باید با قلمی ریزتر از متن باشد و هم از نظر چگونگی آرایش و

قرارگیری در صفحه، در سراسر کتاب، وضعیتی ثابت و منطقی داشته باشد.

در کتاب های علمی، شرح عکس ها اغلب به صورت دو وسط در وسط تصاویر می آید ولی در کتاب هایی که روحیه بصری پویا و خلاق دارند، شرح تصاویر در یک طرف عکس قرار می گیرد به گونه ای که سطرها با عکس فاصله ای مساوی (حدود ۳ تا ۵ میلی متر) داشته باشند و از طرف دیگر، طول سطرها تا برابر و آزاد باشد و فقط حداکثر طول سطرها مشخص باشد.

به این وضعیت حروف چینی شرح تصاویر اصطلاحاً «راست چین» یا «چپ چین» می گویند که منظور از راست چین، تراز بودن سطرها و زیرهم بودن ابتدای آنها از سمت راست است و مقصود از چپ چین، زیر هم بودن انتهای سطرها در طرف چپ می باشد. یکی از شیوه هایی که در کتاب های مصور می توانیم از آن، برای تعیین کادر تصاویر استفاده کنیم، رعایت نسبت ثابت طول به عرض در چند تصویر است که در مجاورت یا نزدیکی یکدیگر در صفحه واقع شده اند. این شیوه، نوعی تعادل بصری ایجاد می کند (شکل ۳-۲۰).



شکل ۳-۲۰

هر یک از ستون های حروف در شکل ۳-۲۰ و ۳-۲۱ و مجموع دو ستون حروف در

شکل ۳-۲۲، مربع شکل هستند.

شکل ۳-۲۲



شکل ۳-۲۱

در صفحه آرای، استفاده از مربع که یکی از سه شکل اصلی ست راه مناسبی است که صفحه آرا بتواند به سهولت و سرعت، به ترکیب بصری مناسبی برسد. یعنی کادر بعضی از تصاویر یا بعضی از ستون های حروف، می تواند مربع شکل باشد تا صفحه آرا را برای رسیدن به ترکیب بصری مناسب یاری دهد. کادر تصاویری هم که طول و عرض آنها ۱- اصطلاحی ست که برای کلمات یا سطرهایی به کار می رود که از دو طرف سطح حروف به یک فاصله باشند.

در صفحه ۴۵ پاراگراف ۴ در مورد اصطلاح کرنینگ صحبت شده است. که با توجه به توضیحات کرنینگ در فصل دوم، برای درک بیان مطلب اگر توضیحات همراه با نمونه تصویری ارائه می شد بهتر بود. در همین صفحه در پاراگراف آخر واژه لدینگ به توضیح کاملتر ی احتیاج دارد، و این توضیح باید همراه با ذکر مثال تصویری باشد.

گذاشته شود اما در صفحات سرفصل و نیز پشت آن که سفید است، نباید شماره صفحه و واژگان مربوط به سرفصل و چیزهایی از این قبیل را گذاشت.

عنوان فصل، باید کاملاً خوانا باشد و طراح سرفصل، باید دو اصل را در نظر بگیرد: زیبایی و راحتی خواندن؛ و برای دستیابی به زیبایی، سعی کند که نگاهی نو و خلاق داشته باشد.

یکی از عوامل منفی که ارتباط بصری و یا به طور کلی هنر را تهدید می کند، ایجاد حالت کسالت بار و یکنواخت است. چشم و ذهن، ضمن علاقه به هارمونی و هماهنگی، به محرکها و عوامل تهییج کننده نیز نیاز دارد.

فاصله بین حروف که اصطلاحاً «کرنینگ»^۱ گفته می شود، در عنوان فصل باید رعایت گردد. برای مثال، حرف «الف» که بعد از حرف «ه» قرار می گیرد، معمولاً فاصله اش زیادتر از حد موزون است و کرنینگ مناسبی ندارد و وقتی «الف» را کمی به درون شکم «ه» می آوریم و به آن نزدیک تر می کنیم، شکل مناسبتری می یابد. کرنینگ، عبارتست از فشردگی و گسترده گی انتخابی هر یک از فواصل میان بخش های نوشتاری منفصل از هم یک کلمه.

این فاصله گذاری منحصرأ وظیفه طراح فونت است؛ اما حروفچین یا صفحه آرا در تیر نویسی و مواردی که حروف در اندازه بزرگ استفاده می شوند، در دستیابی به فاصله مناسب دخالت می کنند.

اگر عنوان فصل در دو یا چند سطر ارائه شده است، فاصله مناسب سطرها یا «لدینگ»^۲ آن باید رعایت شود. شخصیت بصری خط هم باید با موضوع کتاب و فصل هماهنگ و متناسب باشد. در صفحه مقابل، نمونه هایی از فونت های موجود در نشر رومیزی ارائه شده است.

1 - kerning
 2 - leading

در ادامه مطالب در صفحات بعدی با عناوینی مانند تعیین اندازه تصاویر، جهت تصویر یا زاویه دید مواجه می شویم که می توان گفت توضیحات بنا بر عناوین ارائه شده بدون نقص می باشد. ولی در کل برای مبحث تصویر نیاز به تعاریف و توضیحات فنی و کاربردی تری است.

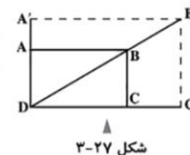
تعیین اندازه تصاویر:

برای اندازه زدن تصاویر در صفحه آرای کتاب های مصور، از رابطه زیر استفاده می کنیم:

$$\text{نسبت} = \frac{\text{طول تصویر در اصل صفحه آرای}}{\text{عرض تصویر در اصل صفحه آرای}} = \frac{\text{طول تصویر یا اسلاید موجود}}{\text{عرض تصویر یا اسلاید موجود}}$$

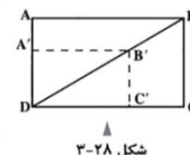
این مفهوم را با بیان زیر نیز می توان شرح داد:

در بزرگ کردن تصویر ABCD، اگر طول تصویر جدید را داشته باشیم، برای یافتن عرض تصویر جدید، DC را ادامه می دهیم و نقطه C'، (شکل ۳-۲۷) را در امتداد آن طوری انتخاب می کنیم که DC' برابر طول تصویر جدید باشد. از خطی عمود به DC' رسم می کنیم تا امتداد قطر BD را در B' قطع کند. از خطی موازی DC' رسم می کنیم تا امتداد خط DA را در A' قطع نماید. مستطیل A'B'C'D' تصویر بزرگ شده ABCD می باشد که همان تناسب طول و عرض را دارد.



شکل ۳-۲۷

معکوس این فرایند، در (شکل ۳-۲۸) دیده می شود که منظور کوچک کردن تصویر ABCD است.



شکل ۳-۲۸

حذف قسمت های زاید تصویر و مشخص کردن کادر مناسب جدید را «ویرایش تصویر» یا «ادیت» کردن می گویند. این عمل را می توان با دو مقوای L و R، بهتر انجام داد و کادر مطلوب را یافت (شکل ۳-۲۹).



شکل ۳-۲۹

جهت تصویر یا زاویه دید:

در کتاب های مصور، برای معین کردن جای مناسب تصاویر، باید جهت عکسها را هم در نظر گرفت. مفهوم جهت عکس یا «زاویه دید در عکس» به شرح زیر است:

دایره، یکی از سه شکل اصلی ست که جهت مشخصی ندارد و سمت و سوی خاصی را القا نمی کند. اما اگر یک دایره بسیار کوچک را در نزدیکی دایره بزرگتری تماشا کنیم، حرکت چشم از دایره بزرگ به طرف دایره کوچک خواهد بود؛ یعنی ناظر، ابتدا دایره بزرگ را می بیند و سپس، نگاهش به طرف دایره کوچک تر می رود. اگر خطوط ذهنی به وجود آمده را رسم کنیم، شکل نهایی مانند یک فلش عمل می کند و جهت مشخصی (از دایره بزرگ به طرف دایره کوچک) دارد.

بسیاری از اشیاء نیز، جهت مشخصی دارند و وقتی به آنها یا تصاویرشان نگاه می کنیم، چشم در جهتی ثابت و مشخص بر روی آنها حرکت می کند. وقتی به چاقو نگاه می کنیم، حرکت چشم همیشه از دسته به طرف نوک تیغه آن است. وقتی به یک قاشق نگاه می کنیم حرکت از دسته به طرف قسمت گود قاشق است و اشیای مشابه، حرکت از ابتدای دسته شروع می شود به طرف مقابل شیء ادامه می یابد.

وقتی وسایل نقلیه را از نیمرخ می نگریم، حرکت چشم از قسمت پشت آنها شروع می شود و به طرف جلوی وسیله نقلیه ادامه می یابد. زمانی که به اراجه دستی یا گاری نگاه کنیم، همین گونه است و حرکت از عقب به جلوی شیء می باشد.

هنگامی که اشیایی مانند خودکار، مداد، خودنویس و ... را تماشا می کنیم حرکت چشم از انتها به طرف نوک آنهاست. در نگاه کردن به یک قیچی، حرکت چشم از دسته به طرف نوک تیغه هاست. در مشاهده چهارپایان از نیمرخ، حرکت چشم از دم به طرف سر چهارپاست. وقتی، یک کفش را از نیمرخ می نگریم، حرکت از پشت کفش به طرف نوک آن جریان می یابد. مثال های فراوانی از این قبیل می توان ارائه کرد. در مورد حالت نیمرخ چهره انسان هم حرکت چشم از پشت سر به طرف چشم و بینی و دهان است که در طرف جلو صورت قرار گرفته اند (شکل ۳-۳۰).



شکل ۳-۳۰

منظور از «زاویه دید» یا «جهت عکس» همین حرکت و جهت است که مشخص می کند وقتی چشم شیء خاص یا تصویر آن را مشاهده می کند، نخست متعطف به کدام قسمت می شود و سپس، در چه جهتی حرکت می نماید.

در ادامه به مبحثی با عنوان تعادل در صفحه مواجه می شویم، که با مطالعه این بخش به این نتایج می رسیم که ایجاد تعادل را از طریق تقارن و روش های غیر متقارن می داند و در همین چند خط توضیحات خود را تکمیل می کند. چرا که با توجه به مطالعاتی که در تعادل و انواع آن انجام گرفته است، توضیحات باید کامل تر ارائه می شد.

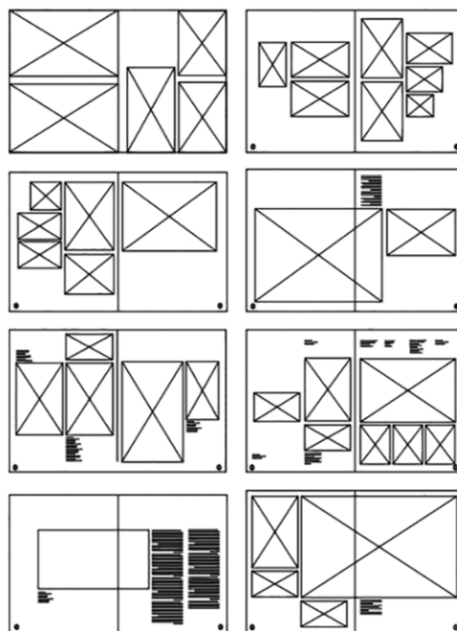
تعادل در صفحه:

دستگاه حسی انسان به گونه ای عمل می کند که انسان، هنگام مشاهده یک طرح یا تصویر، تمایل شدیدی به تعادل دارد. در صفحه آرایشی یکی از راههای رسیدن به تعادل، تقارن است (شکل ۳-۳۴).

در کتاب های خطی و نیز کتاب های چاپ سنگی دوره قاجار، صفحات دارای تعادلی که بر مبنای تقارن آرایش یافته اند، فراوان یافت می شود. اما باید توجه کرد که امروزه در صفحه آرایشی، ایجاد تعادل به وسیله تقارن راه حل ارزشمند و هوشمندانه ای به شمار نمی رود و تقارن، زبان بصری مناسب قرن ما نیست. از این رو، بهتر است با استفاده از روش هایی غیر از تقارن، تعادل را در دو صفحه مقابل هم ایجاد کرد.
در شکل ۳-۳۵، نمونه هایی از دو صفحه مقابل هم در کتاب مصور را مشاهده می کنید که در آنها طراح بدون استفاده از تقارن، تعادل لازم را ایجاد کرده است.



شکل ۳-۳۴



شکل ۳-۳۵

در صفحه مقابل در مورد فضای سفید صفحه مطالبی بیان شده است که بهتر بود به مبحث فضا در این قسمت بیشتر می پرداخت. در صورتی که این بخش را با مطالبی راجع به تناسبات طلایی به پایان رسانده است.

با دقت در روابط سفیدی های صفحه، تصاویر و شرح آنها و نیز امتداد خطوط که گاهی به طور موقت قطع می شود و سپس دوباره ادامه می یابد، متوجه می شوید که غالباً یک توده انبوه بصری از تصویر و حروف شرح تصاویر داریم و سفیدی ها بیرون از این توده و اطراف آن قرار گرفته اند و این انسجام عوامل بصری و استقرار سفید خوانی در اطراف آن و استفاده بسیار محدود و اندک از سطوح سفید در توده بصری فشرده ای که در میان فضاها حاشیه ای ایجاد شده است، در رسیدن به یک نتیجه مطلوب، صفحه آرا را یاری می دهد.

از تناسب طلایی یعنی نسبت های ۳ به ۵ یا ۵ به ۸ هم می توان برای دستیابی به تعادل بصری استفاده کرد؛ عکسهایی که نسبت به طول و عرض آنها چنین است، نسبت ارتفاع مطلب در صفحه اول فصل کتاب به ارتفاع کل صفحه؛ قراردادن عکس در قسمتی از صفحه که تناسب فاصله محور عکس تا بالا و پایین صفحه، طلایی باشد، ... تعادل، شرط ضروری برای هر اثر گرافیکی و به طور کلی هر اثر تجسمی است و زیبایی را حاصل تعادل، همراه با رمز و راز می دانند. البته از مفهوم «زیبایی» در فلسفه و در هنرهای گوناگون تعبیر متنوعی وجود دارد؛ اما شک نیست که یکی از عوامل مهم رسیدن به زیبایی، تعادل می باشد.

صفحه آرای کتاب های کودکان:

در صفحه آرای کتاب های کودکان، اصل مهم، رعایت سادگی و پرهیز از پیچیدگی است. سفید خوانی، یعنی وجود سطوح سفید علاوه بر حاشیه ها و رعایت آن در صفحه آرای کتاب کودک، بسیار ضروری ست. از این رو نباید صفحات از تصویر و نوشته کاملاً پر شوند و سفیدی نداشته باشند. اما تقسیم این سفیدی ها در صفحات، باید با رعایت ضوابط و مبانی بصری صورت گیرد و به سهولت خواندن و درک مفهوم کمک کند. گروه سنی کودک نیز باید در نظر گرفته شود. سفید خوانی کتاب کودک ۶ تا ۷ ساله نسبت به سفید خوانی کتاب های نوجوانان بیشتر است.

شکل ۳۶-۳، نمونه ای از ترکیب مناسب حروف و تصویر در کتاب کودک و رعایت سادگی لازم برای این گونه کتاب هاست. صفحه آرای کتاب کودک، باید به القای نوعی نشاط و سرزندگی کمک کند و تداعی حالتی جدی و عبوس را نداشته باشد؛ در عین

عنوان آخر این فصل صفحه آرای کتاب کودکان است، که با توجه به مطالعه کتابها در این بخش مطالب ارائه شده بسیار مختصر و اندک می باشد. و در جهت تکمیل شدن آن به مطالب بیشتری نیاز است.

در پایان این فصل با بررسی های انجام شده به این نتیجه می رسیم که برای صفحه آرایی کتاب اصول و موارد بیشتری را می توان ارائه داد. که در قالب نکات فنی، تکنیکی و کاربردی بیان می شوند. هر کدام از این جزییات دارای بخش های مختلفی است که قابل ارائه می باشد. هنرجو در ابتدا باید شناختی از جزییات و موارد داشته باشد که این امر با مطالعه کتاب ها و آموزش هایی که توسط هنرآموز صورت می گیرد امکان پذیر است. در نتیجه باید در تدوین و بیان آموزشی کتاب توجه ویژه ای شود.

شکل ۳-۳۸



شکل ۳-۳۹



در صفحه آرایی کتاب های کودکان، از زمینه های تمام صفحه رنگی هم برای دستیابی به هدف هایی که ذکر شد، استفاده می شود؛ اما باید این زمینه های رنگی به گونه ای انتخاب شوند که با تصویر سازها ترکیب کلی مناسبی داشته باشند و از جلوه آنها نکاهند. در توالی صفحات هم کودک باید تنوع لازم را حس کند و تصمیمهای یکنواخت در صفحات پیاپی که قابل پیش بینی هستند، مردود می باشد. ورود به کتاب، ارجح است که حس ورود و پایان آن، حسی از تمام شدن و پایان را القا کند.

غالب کتاب های کودک، صفحات اندکی دارند و در نتیجه به شیوه مقتول، صحافی می شوند که در صفحات بعد توضیح داده شده است. در این شیوه صحافی، طراح می تواند یک تصویر سراسری را در صفحه وسط کتاب قرار دهد که تنها دو صفحه مقابل هم یکپارچه کتاب می باشد.

فصل چهارم: مراحل تولید کتاب پس از صفحه آرای

این فصل شامل بخش های لیتوگرافی، چاپ و صحافی می باشد، که با توجه به سطح آموزشی هنرجویان مقطع هنرستان مطالب کامل می باشد. ولی جای تصاویر در بخش های لیتوگرافی و چاپ خالی است.

فصل چهارم: مراحل تولید کتاب پس از صفحه آرای

هدف های رفتاری

در پایان این فصل، از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- مراحل لیتوگرافی را بشناسد.
- ۲- انواع صحافی را بداند و هر یک را از یکدیگر تشخیص دهد.
- ۳- اطلاعات کلی درباره مراحل تولید کتاب پس از صفحه آرای را بداند.

لیتوگرافی

پس از پایان صفحه آرای کتاب، نسخه نهایی که به آن «پرینت نهایی» گفته می شود، توسط نمونه خوان، نویسنده، مدیر تولید، با دقت بررسی و کنترل می شود و پس از رفع معایب و اشتباهات احتمالی، دیسک فشرده صفحه آرای کتاب، همراه با پرینت نهایی به «لیتوگرافی»^۱ ارسال می گردد.

واژه لیتوگرافی، که معنی لغوی آن «چاپ سنگی» می باشد، یکی از مراحل چاپ معروف به «افت»^۲ است که این شیوه چاپ و کاربردی که «زینک»^۳ در آن دارد، با چگونگی فرایند چاپ در روش چاپ سنگی شباهت دارد.

گاهی مرحله لیتوگرافی در یک مؤسسه جداگانه انجام می شود و حاصل به صورت زینک آماده شده تحویل چاپخانه می گردد و زمانی چاپخانه، واحد لیتوگرافی را درون خود دارد و پس از آماده شدن زینکها، فرایند چاپ صورت می پذیرد.

لیتوگرافی، شامل مراحل عکاسی، مونتاژ و کپی است.

عکاسی: مرحله ای است که صفحات آماده شده کتاب به فیلم تبدیل می شوند. در

1 - lithography

2 - Offset

3 - Zinc (Zn)

بخش دوم: مجله

این بخش شامل فصل پنجم، ششم و هفتم این کتاب است. فصل پنجم کلیاتی راجع به مجله است. که با عناوینی از قبیل تعریف مجله و قطع آن، لوگوتایپ، اونیفورم و نشانه های قسمت های ثابت در مجله مطرح می شود. که توضیحات در این قسمت خلاصه و در بیشتر بخش ها مفید است. ولی از نظر بیان مطالب می توانست ساده تر و گویا تر باشد.

فصل پنجم: کلیات

هدف های رفتاری

در پایان این فصل، از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- تفاوت های مجله با روزنامه را بیان کند.
- ۲- اطلاعات ارائه شده در مورد قطع مجله را طبقه بندی نماید.
- ۳- ویژگی های بصری سرلوحه مجله را بشناسد.
- ۴- اطلاعات ارائه شده در مورد روحیه کلی و ثابت جلد مجله را بداند.
- ۵- اطلاعات ارائه شده در مورد نشانه های ثابت مجله را تشخیص دهد.
- ۶- سرلوحه مجله، روحیه کلی جلد و نشانه هایی ثابت برای مقالات مشخص را طراحی نماید.

تعریف مجله و قطع آن

مجله، به مدرکی جلد شده گفته می شود که به طور منظم و با فاصله انتشار مرتب و تحت شماره ردیف و دوره و تاریخ معین در زمینه های گوناگون (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ادبی، دینی، علمی، فنی، کشاورزی، نظامی، هنری، ورزشی، و نظایر اینها) بیش از دو بار در سال منتشر شود و در تهیه مطالب آن بیشتر از یک نفر مشارکت داشته باشد و نیز دارای بیشتر از یک مقاله باشد.^۱

فرهنگ فارسی معین، مجله را مجموعه ای تعریف کرده است که به طور مرتب منتشر می شود و شامل مقالاتی در موضوعی واحد یا در موضوعات مختلف باشد.

قانون مطبوعات مورخ ۱۳۳۱/۵/۱۱ مجله را این گونه تعریف می کند: «مجله نشریه ای است که برای روشن ساختن افکار عمومی مردم در زمینه های مختلف اجتماعی، سیاسی،

۱ - مقاله «نخستین مجله ایران» از سید فرید قاسمی مندرج در صفحه ۴۶ مجله صنعت چاپ، شماره ۱۳۹ مرداد ماه ۱۳۷۳.

فصل ششم: مراحل قبل از صفحه آرایی مجله

این فصل شامل عناوینی از جمله آماده سازی، تعیین حروف مطالب، گزید، طراحی روحیه کلی فهرست مجله می باشد. مطالبی که در هر یک از عناوین این بخش آمده است، قابل توجه می باشد و می توان گفت که اطلاعاتی در حد آشنایی هنرجویان در این مقطع می باشد.

فصل ششم: مراحل قبل از صفحه آرایی مجله

هدف های رفتاری

در پایان این فصل، از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- یک مقاله دستویس را به طور صحیح تعیین حروف نماید.
- ۲- عوامل موثر در فاصله ستون ها از یکدیگر را تشخیص دهد.
- ۳- «گزید» یک مجله را رسم کند و تمرین های مربوط را انجام دهد.
- ۴- «گزید» به روش تقسیمات عمودی مساوی را بشناسد و ترسیم کند.
- ۵- تفاوت صفحه آرایی نشریات علمی را با سایر نشریات بشناسد.
- ۶- ویژگی های مهم فهرست مجله را از نظر بصری توضیح دهد.
- ۷- برای مجله ای با هویت مشخص، فهرست، طراحی نماید.

آماده سازی

برای راه اندازی یک مجله، آماده بودن مطالب، فزونتر از مطالب یک شماره، ضروری است تا در انتشار مجله وقفه ای ایجاد نشود و بتواند در تناوبی که مشخص شده است، منتشر گردد. در هفته نامه ها آماده بودن مطلب شش شماره و در ماهنامه ها آماده بودن مطلب سه شماره، ضروری است. مطالب، خواه تألیف باشد و خواه ترجمه، روی صفحاتی به قطع رحلی یا A۴ نوشته می شوند که در تکثیر، از کاغذ حداکثر استفاده شده باشد. معمولاً هر مجله، در همین اندازه برای خود صفحات یا دفترچه هایی چاپ می کند که در آنها خطوط افقی نازک یا خط چین چاپ شده است و نویسندگان و مترجمان، مقالات خود را روی آنها می نویسند.

استاندارد تعداد سطرها در این صفحات، ۱۳ سطر است و سرلوحه مجله را هم در اندازه ای کوچک در بالای صفحه می توان چاپ کرد.

فصل هفتم: صفحه آرایي مجله

وقتي به هدف های رفتاری این فصل نگاه می کنیم، متوجه می شویم هدف مؤلف از بیان مطالب اصول و مبانی مختص صفحه آرایي مجله است. که تا حدودی هم موفق بوده است. مؤلف در مبحث صفحه آرایي مجله به موارد کاربردی نوشتار، تصویر و فضا نسبت به مبحث صفحه آرایي کتاب بیشتر توجه نشان داده است. هرچند باز هم در این فصل ترتیب موارد فنی و جایگاه عناصر صفحه می توانست بهتر ارائه شود.

فصل هفتم: صفحه آرایي مجله

هدف های رفتاری

در پایان این فصل، از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- صفحه آرایي مجله را تعریف کند و هدف از صفحه آرایي را توضیح دهد.
- ۲- عملاً مجله مشخصی را صفحه آرایي نماید و نکته های مهم صفحه آرایي مجله را که به آن اشاره شده است تعریف کند و مفاهیم آنها را به درستی درک کند توضیح دهد.
- ۳- روش تداوم خطی را شرح دهد.
- ۴- اطلاعات بصری لازم در مورد تیترو چگونگی قرارگیری آن در صفحه، را توضیح دهد.
- ۵- ویژگی های بصری صفحات ورزشی و تفاوت آن را با صفحات حادثه ای توضیح دهد.
- ۶- اطلاعات بصری لازم را در مورد سوتیترو چگونگی قرارگیری آن در صفحه توضیح دهد.
- ۷- مفهوم ضرباهنگ (ریتم) را توضیح دهد.
- ۸- سه شیوه توزیع تصاویر در دو صفحه مقابل هم مجله را شرح دهد.

تعریف صفحه آرایي مجله

سامان دادن و ایجاد روابط منطقی و منظم بین عناصر نوشتاری و تصویری و فضاهای خالی در دو صفحه مقابل هم، با هدف دستیابی به زیبایی، سهولت در خواندن و ایجاد اشتیاق در خواننده را، صفحه آرایي مجله گویند.

پس از بررسی و مطالعه دقیق کتاب پایه و اصول صفحه آرایی به این نتایج می توان رسید که این کتاب برای رسیدن به هدف شناخت پایه و اصول صفحه آرایی و آموزش آن به هنرجویان، نیاز به بازبینی کامل دارد.

در این پژوهش سعی شده است روشی بر اساس اصول ساختاری و کاربردی در امر آموزش صفحه آرایی ارائه شود. با تحقیقات و مصاحبه هایی که برای بهتر شدن روند آموزشی انجام شد. پژوهشگر به این نتایج رسید. که بدین شرح می باشد. در ابتدا آموزش را باید با شناخت از صفحه آغاز کرد، و با بیان تعاریفی از آن به کاربرد صفحه در شاخه های مختلف گرافیک پرداخت. که هر صفحه ی گرافیکی نیاز به صفحه آرایی دارد و این باید با شناخت و درک صحیح از پایه و اصول صفحه آرایی انجام شود. با ارائه تمریناتی در این زمینه هنرجو آماده آموزش اصولی برای صفحه آرایی است. در این بخش از آموزش، هنرجو با عناصر و اجزاء صفحه آشنا می شود. که شامل نوشتار، تصویر و فضا است. هر کدام از این عناصر نیز شامل زیر مجموعه هایی هستند که هر کدام نیز توضیحات و تعاریف خودشان را دارند و هر بخشی از آن نیاز به تمریناتی دارد که در روند آموزشی هنرجو بسیار تأثیر گذار می باشد. وبعد از اتمام این بخش ها از هنرجو انتظار می رود که بتواند با دانش فنی که در این خصوص دارد برای هر صفحه گرافیکی صفحه آرایی تخصصی ارائه دهد.

نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده های پژوهش نشان داد که: با توجه به اینکه صفحه آرایی یکی از اصولی ترین و اساسی ترین شاخه های طراحی گرافیک محسوب می شود و اهمیت بسیاری در شناخت و درک گرافیک دارد، بنابراین ضرورت آموزش آن بسیار مهم است، و این اهمیت به بررسی روند آموزشی در مقاطع هنرستان ها می پردازد، که اولین گام های آموزشی هنرجویان از آنجا شکل می گیرد. نقش آموزش بسیار مهم و تأثیر گذار است. به هم این دلیل این پژوهش به منظور «آسیب شناسی محتوای درسی صفحه آرایی در مقاطع هنرستان های کار دانش و فنی حرفه ای» انجام شد.

با توجه به یافته های فصل دوم مشخص شد که آموزش صفحه آرایی در مقاطع هنرستان به صورت اصولی و حرفه ای ارائه نمی شود. به همین منظور با مطالعه و بررسی در این حیطه یک تقسیم بندی اصولی و کاربردی انجام شد که از شناخت صفحه و انواع صفحات گرافیکی آغاز شد و در ارتباط با آن عناصر صفحه (نوشتار، تصویر، فضا) معرفی شدند که هر کدام از این عناصر به صورت مجزا از نظر تکنیکی و کاربردی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. و نتیجه حاصل از این فصل می تواند شیوه ای اصولی برای آموزش صفحه آرایی در همه پارامترهای گرافیک ارائه کند. همچنین این روند آموزشی می تواند هنرجویان را به سمت حرفه ای شدن سوق دهد.

با تحلیل هایی که در فصل سوم به بررسی آسیب شناسی کتاب صفحه آرایی در مقاطع هنرستان انجام شد به نظر رسید که در کتاب آموزشی صفحه آرایی فقط به آموزش صفحه آرایی در راستای کتاب و مجله و تا حدودی در حیطه چاپ توجه شده است و به دیگر پارامترهای گرافیک (اوراق اداری، پوستر، روی جلد، بیلبرد، بسته بندی و...) توجهی نداشته است. و یکی از اشکالات بارز این کتاب محسوب می شد. که در عنوان کتاب نیز تأثیر گذار بود. با توجه به مطالب این کتاب

پیشنهاد می شود، که اگر عنوان کتاب، صفحه آرای برای کتاب و مجله نام گذاری می شد مناسب تر بود تا عنوان فعلی کتاب با نام پایه و اصول صفحه آرای، که هیچ ارتباطی با مطالب کتاب ندارد. به این منظور مطالب کتاب باید در ارتباط با پایه و اصول صفحه آرای ارائه می شد. بنابراین با مطالعه بخش های داخلی کتاب می توان نتیجه گرفت که ساختار کلی کتاب در راستای آموزش نظری و عملی صفحه آرای نتوانسته است شیوه ی مناسبی ارائه دهد. در هر بخش از کتاب کمبودها و ضعفهایی وجود داشت. به طور مثال در بخش نوشتار که از مهمترین پارامترهای صفحه آرای محسوب می شود نواقص بسیاری به چشم می خورد، که باید به صورت اصولی و کاربردی بیان می شد. همچنین در بخش تصویر و فضا که هر کدام نقش کلیدی و بسیار مهمی در صفحه آرای دارند، هیچ آموزش علمی و عملی در نظر گرفته نشده بود. با توجه به سوال اصلی، آیا درس صفحه آرای که در هنرستان ها تدریس می شود می تواند به عنوان یک زیر ساخت برای حرفه ای شدن به طراحان گرافیک کمک کند؟ پاسخ منفی است. و آن به این دلیل است که آموزش و یادگیری در هنرستان ها بدون هیچ اصول علمی و فنی از صفحه آرای پایه ریزی شده است، و هنرجو از همان ابتدا با همین شیوه آموزش آشنا می شود، که نمی تواند به حرفه ای شدن او کمک کند.

سوال بعدی که مطرح می شود این است که صفحه آرای در کتاب های آموزشی هنرستان چگونه تعریف شده است و چگونه آموزش داده می شود؟ صفحه آرای که در کتاب های آموزشی هنرستان تعریف شده است به آموزش صفحه آرای کتاب، مجله و روزنامه محدود شده است و تمام آموزش هایی که در خصوص صفحه آرای مطرح می شود شامل همین سه پارامتر است. که روش آموزشی آن با تکه چسبانی متن های روزنامه ای و تصاویر، در دو صفحه روبروی هم، بدون در نظر گرفتن پایه و اصول صفحه آرای بیان می شود. که نتیجه کار وجود صفحه ای بدون اصول علمی، تکنیکی و کاربردی است. در خصوص سوال بعد که چه مؤلفه هایی برای ارزیابی صفحه آرای در مقطع هنرستان وجود دارد؟ می توان گفت که هیچ کتاب تألیف شده ای در خصوص پارامترهای تخصصی و فنی آموزش صفحه آرای وجود ندارد. و منبع مطالعاتی در این زمینه بسیار محدود است. سوال آخر مربوط به بررسی نتیجه خوب و نتیجه بد آموزش صفحه آرای در مقاطع هنرستان ها است. که به این موضوع اهمیتی داده نمی شود، و آن به این دلیل است که باید بررسی نتایج خوب و بد آموزشی بر اساس شناخت کافی و دانش کامل راجع به پایه و اصول صفحه آرای انجام شود، ولی متأسفانه کمتر دیده شده است، که علم و دانشی در این زمینه وجود داشته باشد.

بر اساس یافته های این پژوهش، پیشنهادهایی ارائه می شود که می تواند به بهینه سازی صفحه آرای در کتاب های آموزشی کمک کند.

۱- محتوای درسی کتاب صفحه آرای براساس آموزش های صحیح و اصولی ارائه شود که در ارتباط با تمام عناصر مطرح شده در صفحه است.

۲- محتوای درسی کتاب صفحه آرای باید از تعریف صفحه، عناصر صفحه (نوشتار، تصویر و فضا) و خصوصیات آن ترکیب بندی، پلان بندی و دیگر موارد در همین خصوص آغاز و با آموزش صحیح ارائه شود. تمام این موارد برای صفحه آرای مجله، کتاب، بروشور، اوراق اداری، پوستر، روجلد و کاربردی هستند و جزو صفحه آرای مقدماتی به حساب می آیند، با وجود مطالب بسیاری که در ارتباط با پایه و اصول صفحه آرای است.

۳- در کتاب صفحه آرای بهتر است تعریف جامع و صحیحی از صفحه آرای و دیزاین ارائه شود.

۴- ارائه تمرینات تخصصی بسیار مهم هستند، که باید برای هر بخش به صورت اصولی و کاربردی طراحی شود. و بررسی نتایج کارهای هنرجویان می تواند در روند بهبود آموزشی کمک کند.

ضمن آن که مطالب نظری و تحلیل های انجام شده در این پژوهش می توانند در تهیه و تدوین پژوهش های بعدی مد نظر قرار گیرد.

برای بهبود بخشیدن به کیفیت آموزش صفحه آرای و کسب اطلاعات از روند آموزش و کمبودها و نواقص در این حوزه پرسشنامه ای طراحی شد که به هنرآموزان ارائه گردید. و در تکمیل آن مصاحبه های انجام شد. که شرح آن در بخش ضمائم قابل مطالعه است.

پرسش های میدانی مربوط به آسیب شناسی درس صفحه آرای از هنرآموزان هنرستان

ردیف	عناوین سوالات	بله	خیر
۱	آیا کتاب پایه و اصول صفحه آرای روش صحیحی برای آموزش صفحه آرای در مقاطع هنرستان می باشد؟		
۲	آیا شما می توانید بر مبنای دانش این کتاب روش صحیحی برای تدریس ارائه دهید؟		
۳	آیا اطلاعاتی که می خواهید در مورد صفحه آرای بدانید در این کتاب ارائه شده است؟ اطلاعاتی را که می خواهید بنویسید.		
۴	آیا در این کتاب تعریفی از صفحه آرای و دیزاین صفحه گفته شده است؟		
۵	آیا این کتاب در مورد نوشتار و اصطلاحات آن در زمینه صفحه آرای توضیحی داده است؟		
۶	آیا یک کتاب پایه و اصول صفحه آرای فقط باید مختص صفحه آرای مجله، روزنامه و کتاب باشد؟		
۷	آیا اطلاعات این کتاب در زمینه چاپ به صنعت نشر و صنعت فروش کتاب کمکی کرده است؟		
۸	آیا هنرجو لازم است راجب مراحل چاپ و پس از آن بداند؟ اگر جواب شما بله هست مختصر توضیحی بنویسید.		
۹	آیا عمده ترین تمرینات هنرآموزان در راستای صفحه آرای مجله، روزنامه، کتاب و موارد خاص دیگر می باشد؟ موارد خاص دیگر را نام ببرید؟		
۱۰	آیا شما به عنوان یک هنر آموز کار صفحه آرای انجام داده اید؟ موارد کار شده را نام ببرید؟		
۱۱	پیشنهادهای خود را برای بهبود کتاب پایه و اصول صفحه آرای بنویسید؟		

نتیجه ی حاصل از پرسش های مطرح شده از هنرآموزان رشته گرافیک به شرح زیر است:

پاسخ سوال ۱- کتاب مورد بحث آموزشی (پایه و اصول صفحه آرایي) منبع مناسبی برای آموزش در هنرستان نیست

پاسخ سوال ۲- بر مبنای دانش این کتاب نمی توان روش صحیحی برای تدریس ارائه داد.

پاسخ سوال ۳- در این کتاب اطلاعاتی که در مورد صفحه آرایي آورده شده حاوی نکات ابتدایی و ساده می باشد و لازم است در هر یک از شاخه های گرافیک اطلاعات کامل و صحیحی از صفحه آرایي ارائه شود.

پاسخ سوال ۴- همچنین این کتاب تعریف جامع و درستی از صفحه آرایي و دیزاین ندارد.

پاسخ سوال ۵- از نوشتار و اصطلاحات آن، که بخش بسیار مهمی در ارتباط با صفحه است، اطلاعاتی داده نشده است.

پاسخ سوال ۶- بزرگترین و مشخص ترین اشتباه این کتاب اختصاص دادن صفحه آرایي به کتاب، مجله و روزنامه است در صورتی که صفحه آرایي شامل هر صفحه ی گرافیکی است.

پاسخ سوال ۷- مطالب این کتاب در زمینه ی چاپ کمکی به صنعت نشر و فروش کتاب نمی کند.

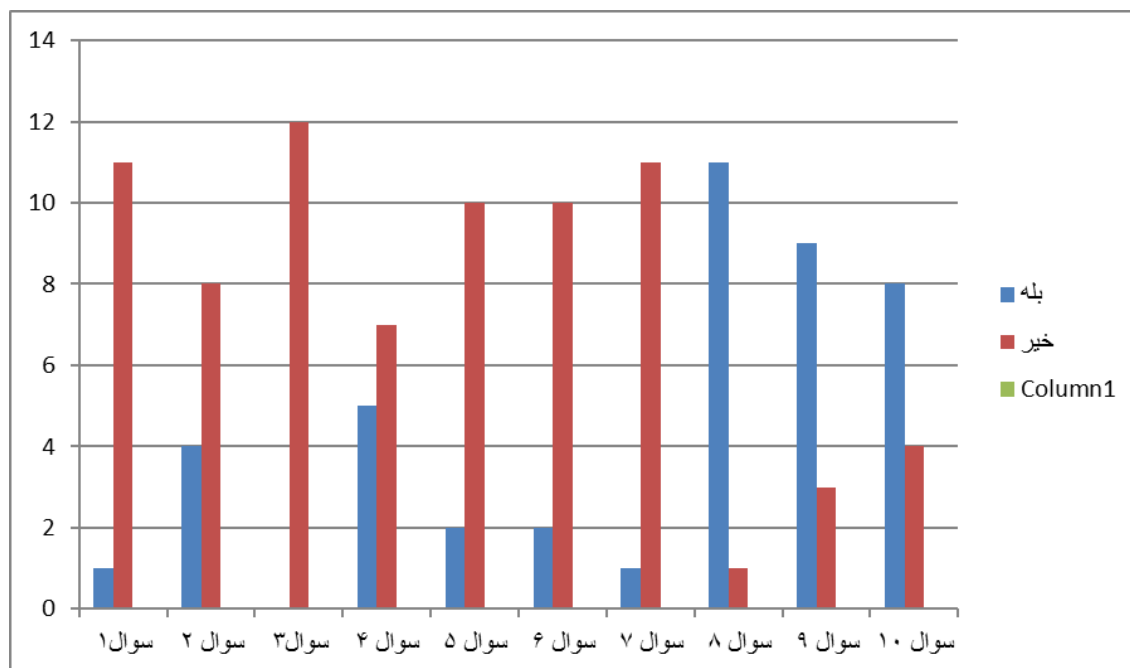
پاسخ سوال ۸- با توجه به دیجیتالی شدن و پیشرفت نرم افزارها، پروژه ها باید به چاپ برسد و طبیعتاً هنرجو باید اطلاعاتی در مورد نحوه ی چاپ آثارش داشته باشد تا دچار مشکل نشود.

پاسخ سوال ۹- عمده ترین تمرینات هنرآموزان در راستای صفحه آرایي کتاب و مجله است و شاید کمی در ارتباط با پوستر یا اوراق اداری باشد.

پاسخ سوال ۱۰- اکثر هنرآموزانی که صفحه آرایي تدریس می کنند تجربه ی انجام کار چاپی به جزء موارد مجله و کتاب و روزنامه داشته اند.

در پایان از هنرآموزان خواسته شده که پیشنهادات خود را برای بهبود کتاب پایه و اصول صفحه آرایي بنویسند.

پاسخ سوال ۱۱- پاسخ هایی که دریافت شد نشانگر این است که در ارتباط با دانش صفحه آرایي و ارائه ی مبانی و قوانین اصولی مربوط به این زمینه بایستی از دانش اساتید خلاق در زمینه صفحه آرایي بهره برده و تغییرات اساسی ایجاد شود. آموزش صفحه آرایي فقط مربوط به کتاب ، مجله، بروشور، کاتالوگ و روزنامه نباشد بلکه هر صفحه ی گرافیکی را شامل شود.



شکل ۱. نمودار آماری از پرسش نامه

منابع و ماخذ

- احمدی شیخانی، مهرداد، کشاورزی، مرجان (۱۳۹۲). صفحه آرای، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- ارل هاف، میثائیل (۱۳۹۷). دانشنامه دیزاین، (مترجم منظر محمدی). تهران: نشر مشکى.
- آرنستون، ایمی ای (۱۳۹۵). مبانی طراحی گرافیک، (مترجم حسام حسن زاده). تهران: انتشارات سوره مهر.
- آرنهیم، رودلف (۱۳۹۶). هنر و ادراک بصری، (مترجم مجید اخگر). تهران: انتشارات سمت.
- اسدالهی، مصطفی (۱۳۹۶). طراحی پوستر، تهران: انتشارات فاطمی.
- اسدالهی، مصطفی (۱۳۹۷). زبان و بیان تصویری، تهران: انتشارات فاطمی.
- الام، کیمبرلی (۱۳۸۹). گرید بندی در تایپوگرافی، (مترجمان محمدرضا عبدالعلی، مژگان جایز). تهران: نشر میردشتی.
- آمبروز، گوین، هریس، پل (۱۳۹۰). فرهنگ مصور طراحی گرافیک، تهران: نشر نظر.
- اوجی، مصطفی (۱۳۹۰). اصول طراحی حروف. نشریه هنرهای تصویری حرفه هنرمند، تهران: نظر
- اوکویک، استینسون، ویگ. بون، کایتون (۱۳۹۰). مبانی هنر نظریه و عمل، (مترجم محمدرضا یگانه دوست). تهران: انتشارات سمت.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۰). دایرالمعارف هنر، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- تندریو، پت (۱۳۹۲). مبانی صفحه آرای، (مترجم اکرم برآبادی). تهران: انتشارات یساولی.

- جانسون، مایکل و مؤمنیان، آرش (۱۳۸۶). گرافیک دیزاین. حرفه هنرمند، تهران: نشر نظر.
- دابنر، دیوید (۱۳۹۲). طراحی گرافیکی و صفحه آرایی، (مترجم اکرم برآبادی). تهران: انتشارات میردشتی.
- داندیس، دونیس ا (۱۳۹۱). مبادی سواد بصری، (مترجم سعید آقایی). تهران: نشر پرهام نقش.
- رضایی، لادن (۱۳۹۰). مجموعه مقالات طراحی گرافیک، تهران: انتشارات یساولی.
- زاهدی، مرجان (۱۳۹۰). بررسی قابلیت تشخیص و خوانایی در حروف متن فارسی. نشریه هنرهای تصویری حرفه هنرمند، تهران: نظر
- سپهر، مسعود (۱۳۹۶). تجزیه و تحلیل آثار گرافیک، تهران: نشر فاطمی.
- سوان، آلن (۱۳۹۱). لی اوت مرجعی برای صفحه آرایی، (مترجم لیلا کسایی). تهران: انتشارات یساولی.
- شیوا، قباد (۱۳۸۶). دیزاین و هویت. نشریه هنرهای تصویری حرفه هنرمند، تهران: نظر
- صیاد امیرحسین، غریب و پور افرا، دلشاد و سیاهکلی، مهسا (۱۳۹۸). بازخوانش مفهوم فضا در تجربه معماری. نشریه علمی باغ نظر، تهران.
- طاهری، فائزه (۱۳۹۷). مبانی طراحی بصری برای فونت فارسی، تهران: انتشارات فاطمی.
- فرنگار، بهروز (۱۳۹۱). صفحه آرایی، تهران: انتشارات نوروزی.
- قلیچ خانی، حمیدرضا (۱۳۸۸). فرهنگ واژگان واصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، تهران: نشر روزنه.
- کریستین، کالن (۱۳۹۶). لی اوت، (مترجم نسرین صدیقیان فرهنگ کهکشان). تهران: نشر آبان.
- کمالی دولت آبادی، رسول (۱۳۹۶). بازخوانی عرفانی مبانی هنرهای تجسمی، تهران: سوره مهر.
- لاپوتوز، مارس (۱۳۹۳). صفحه آرایی، (ترجمه فرهاد گشایش). تهران: بیهق.
- مثقالی، فرشید (۱۳۸۶). دیزاین. نشریه هنرهای تصویری حرفه هنرمند، تهران: نظر
- مثقالی، فرشید (۱۳۹۰). تایپوگرافی، تهران: نظر.
- مثقالی، فرشید (۱۳۹۰). مقدمه ای بر گرافیک دیزاین، تهران: نظر.
- مولر بروکمان، ژوزف (۱۳۹۲). سیستم گرید در طراحی گرافیک، (ترجمه دژار حقی). تهران: دید.
- نیکومرام، مسعود و هامونی، امید (۱۳۸۹). تحلیل بررسی حروف فارسی، اسلامشهر: دانشگاه آزاد.
- نیوآرک، کوئنتین (۱۳۹۴). طراحی گرافیک چیست؟، (ترجمه مرجان زاهدی). تهران: مشکی.
- هامونی، امید (۱۳۹۵). طراحی حروف برای فونت فارسی، تهران: فاطمی.
- های اسمیت، سایرس (۱۳۹۵). درون پاراگراف چه می گذرد؟، (ترجمه فرزانه آرین نژاد). تهران: مشکی.
- هرلبرت، آلن (۱۳۸۸). لی اوت از ایده تا آماده سازی نمونه چاپی، (ترجمه نفیسه مجتهدی، مریم مجتهدی). تهران: نگاه.
- همایونفر، راشنو (۱۳۸۸). اصول صفحه آرایی مجله، کانالوگ، بروشور، تهران: لوح نگار.
- وایت، الکس (۱۳۸۸). عناصر طراحی گرافیک، (الهه بور). تهران: آبان.